

## مبانی و مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری گفت و گو بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه گفت و گو، استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاران<sup>۱</sup>

هادی خانیکی<sup>۲</sup> - علیرضا نیکخواه ایبانه<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۰ تاریخ تایید: ۹۳/۱۱/۶

### چکیده

روزنامه‌نگاری گفت‌وگو زمینه مطالعاتی و حرفه‌ای جدیدی است که به سبب اهمیت یافتن گفت‌وگو در رسانه‌ها مورد توجه جدی محافل علمی، آکادمیک و حرفه‌ای و مجامع بین‌المللی از جمله یونسکو قرار گرفته است. مسئله پژوهش حاضر بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری گفت‌وگو و وضعیت آن در رسانه‌های ایران است. چهارچوب مفهومی این تحقیق بر پایه بسط مفهوم حوزه توسعه مجاور<sup>۴</sup> لیو ویگوتسکی و تلفیق آن با منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین، کنش ارتباطی و حوزه عمومی یورگن هابرماس و ارتباطات مشارکتی جان سرواس تنظیم شده و در قالب الگوی توسعه فرهنگی در حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای، ویژگی‌ها و الزامات روزنامه‌نگاری گفت‌وگو را طراحی کرده است. روش پژوهش برای انجام این مطالعه، مصاحبه عمقی با متخصصان است که به صورت هدفمند با ۲۱ تن از استادان ارتباطات، روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مبنی بر ارزش‌های نوینی چون حقیقت‌گرایی، راه‌حل‌گرایی، فرابندمداری و مردم‌گرایی است و به ارزش‌های کلاسیک هم در ذیل آنها توجه می‌کند. همچنین تلفیق روزنامه‌نگاری حرفه‌ای با زائرهای نوینی مانند روزنامه‌نگاری شهروندی، شبکه‌ای و کنشگر، بیشتر با روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مناسبت دارد. در عین حال روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در حال حاضر فاقد جایگاه و کارکرد مناسب خود در کشور ماست اما می‌توان به وسیله آموزش سواد رسانه‌ای به عموم، آموزش‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای درباره زمینه‌ها، لوازم و کارکرد روزنامه‌نگاری گفت‌وگو و تهیه مرانامه‌های عملیاتی، این نوع روزنامه‌نگاری را ترویج کرد. واژگان کلیدی: ارتباطات مشارکتی، حوزه توسعه مجاور، حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای، حوزه عمومی، روزنامه‌نگاری گفت‌وگو، منطق گفت‌وگویی.

۱. این مقاله برآمده از پایان‌نامه‌ای با همین عنوان در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی است.

۲. دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.  
hadi.khaniki@gmail.com

۳. کارشناس ارشد علوم ارتباطات - گرایش روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبایی.

alirezanikkhah@gmail.com

4. Zone of Proximal Development (ZPD)

## طرح مسئله

از اواخر دهه نخست قرن بیست و یکم، در ادامه گسترش انواع نوینی از روزنامه‌نگاری نظیر روزنامه‌نگاری شهروندی، روزنامه‌نگاری کنشگر و روزنامه‌نگاری صلح، توجه به گونه جدیدی از ژورنالیسم و فعالیت‌های رسانه‌ای معطوف شده که مبنایش را گفت‌گو قرار می‌دهد و بر نقش رسانه‌ها در گسترش و تقویت گفت‌گو در جامعه تمرکز دارد. این اتفاق با پیشنهاد سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ مبنی بر تمرکز بر رسانه، گفت‌گو و درک متقابل<sup>۱</sup> در سالروز جهانی آزادی مطبوعات، رسمیت پیدا کرد و به تبع آن یونسکو عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات آن سال را ظرفیت رسانه در ترویج گفت‌گو، فهم متقابل و حل اختلاف گذاشت و به عنوان تنها آژانس سازمان ملل که ملزم به دفاع از آزادی بیان و مطبوعات است، گفت‌گو از طریق رسانه‌ها<sup>۲</sup> را در کانون وظایف خویش قرار داد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹).

این نامگذاری، مسئله گفت‌گو در رسانه‌ها را - به عنوان یکی از ابزارهای توسعه - به یکی از کانون‌های توجهات محافل علمی تبدیل کرده و انتشار مقالات و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی را به‌خصوص از جانب یونسکو، در نقاط مختلف دنیا از جمله کینگستون جامائیکا (۲۰۰۹)، کیجالی رواندا (۲۰۰۹)، دوحه قطر (۲۰۰۹)، پکن (۲۰۰۹)، نیویورک (۲۰۰۹)، کوئیتو اکوادور (۲۰۰۹) و سویل اسپانیا (۲۰۱۰) به دنبال داشته است (شبکه جهانی آزادی بیان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). تاسیس کرسی «رسانه، گفت‌گو و فهم متقابل» یونسکو در مدرسه ژورنالیسم و روابط عمومی اسکوپیه در سال ۲۰۱۱ نیز نمونه‌ای از تلاش در جهت تبیین مبانی رسانه گفت‌گویی و ارتقای نظری و عملی گفت‌گو در جوامع است (یونسکو، ۲۰۱۱).

این گونه جدید و مهم در مطالعات رسانه و ژورنالیسم که در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته و گفت‌گو را مبنای فعالیت‌های رسانه‌ای قرار می‌دهد، تحت عنوان کلی روزنامه‌نگاری (ژورنالیسم) گفت‌گو<sup>۴</sup> قابل شناسایی است. از اینجاست که مسئله این تحقیق بر پایه چستی روزنامه‌نگاری گفت‌گو و چگونگی اجرای آن در ایران شکل می‌گیرد. لذا این پژوهش در صدد است گامی در جهت تجزیه و تحلیل و شناسایی ابعاد و اجزای مفهوم روزنامه‌نگاری گفت‌گو برداشته و رویکردها و سطوح مختلف، ضرورت‌ها، ابزار و روش‌ها و الزامات آن را به عنوان یک صورت‌بندی گفتمانی بدیع و گونه‌ای تازه در روزنامه‌نگاری بررسی نماید.

1. media, dialogue, and mutual understanding
2. dialogue through media
3. the global network for Free Expression
4. dialogue journalism

### مبانی نظری و مفهومی

مبانی نظری این تحقیق از چند بخش تشکیل شده است. ابتدا کلیاتی درباره مفهوم گفت و گو و روزنامه‌نگاری مبتنی بر گفت و گو و الزامات آن بیان می‌شود. سپس یکی از نظریه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات یعنی ارتباطات مشارکتی سرواس ذکر خواهند شد و در ادامه به بررسی نظریه‌های گفت‌وگویی هابرماس، باختین و ویگوتسکی می‌پردازیم. در نهایت بعد از این مرور نظری چارچوب مفهومی پژوهش بررسی خواهد شد.

### روزنامه‌نگاری گفت و گو

گفت و گو در تمام عرصه‌های فلسفی و اجتماعی و حتی علمی، به عنوان راه کشف و انتقال حقیقت شناخته شده است. در واقع تحولات جدید بر انتقال مفهوم صدق و حقیقت، از امری عینی و بیرونی به امری ذهنی و حادث شده در فرایند گفت و گو دلالت دارد. به این روایت گفت و گو و اجماع حاصل از آن، بستر استوارتری برای وصول به صدق و حقیقت است (خانیک، ۱۳۸۷: ۵۹ و ۸). کارل یاسپرس فیلسوف آلمانی می‌گوید: «آزادی، تنها با دگرگون شدن آدمی حاصل می‌شود و با ایجاد سازمان‌هایی برای آدمیانی که دگرگون نشده‌اند نمی‌شود آن را ساخت؛ بلکه پیدایی آن بسته به چگونگی ارتباط و گفت و شنود و تفاهم، میان آدمیانی است که آماده‌اند با یکدیگر گفت‌وگو کنند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۳).

توجه به تفاوت مفهومی ارتباط و گفت‌وگو راه را برای فهم دقیق‌تر گفت‌وگو هموار می‌کند. ارتباط «فرایند انتقال پیام است از سوی فرستنده برای گیرنده ارتباط، مشروط بر آنکه در گیرنده یا مخاطب، مشابهت معنا با معنی مورد نظر فرستنده به وجود آید»، اما گفت و گو یا دیالوگ فرایندی است که در ارتباط فرد با خود، با افراد دیگر و با محیط شکل می‌گیرد و درک و فهم تازه‌ای را به وجود می‌آورد. گفت و گو چیزی را با مشارکت هم خلق کردن است که با انتقال پیام متفاوت است (خانیک، ۱۳۸۸: ۸).

براین اساس، گفت و گو را می‌توان مکالمه و پدیده‌ای چند وجهی دانست که از نظر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شرکت کنندگان برای نیل به هدفی واحد و مشترک که همان حل و رفع مسأله و مشکل مبتلا به همه است، به فهم و نقد سخن یکدیگر می‌پردازند (مطالعات ملی، ۱۳۸۱: ۲۰۶).

بر مبنای همین ویژگی‌های گفت‌وگو، در دنیا از سال ۲۰۰۹ به این سو، به گونه نوینی از فعالیت‌های رسانه‌ای توجه شده که محور آن گفت و گوی رسانه‌ای و ارتقای آن است. در روزنامه‌نگاری گفت‌وگو هدف نقد، فهم و خلق مشترک معانی است و از سازوکار مکالمه آزاد، محترمانه و در عین حال انتقادی استفاده می‌شود. روزنامه‌نگاری گفت‌وگو به پذیرش وجود

دیگری و همزیستی مسالمت‌آمیز با او اکتفا نمی‌کند، چرا که گفت و گو فراتر از بردباری سلبی، به هم‌نگری و همکاری ایجابی نظر دارد. با وجود اینکه پذیرش تنوع و تکثر فرهنگی و احترام متقابل از لوازم گفت و گو نیز به شمار می‌روند، اما هدف آن نیستند. گرچه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو می‌تواند به تحقق صلح کمک شایانی بکند، اما هدف این شیوه روزنامه‌نگاری صرفاً حل و فصل تضادها و تحقق صلح نیست، بلکه به دنبال فراهم آوردن زمینه یک گفت و گو سازنده و در نتیجه درک متقابل و یکپارچگی اجتماعی حاصل از عقلانیت ارتباطی است (ای. ای. جی. ای، ۲۰۰۹: ۵).

از نظر یونسکو، توجه به فرهنگ خود رسانه و تقویت رسانه‌های روزآمد، مستقل، تکثرگرا، آزاد و منصف و به دور از محاط شدن در علایق شخصی، سیاست و تجارت می‌تواند به ایجاد گفت و گو و تفاهم، آن هم در دنیای تفاوت‌ها و تنوع‌ها کمک کند و در واقع زمینه را برای تحقق هرچه بهتر روزنامه‌نگاری گفت و گو فراهم کند. رشد چنین رسانه‌هایی می‌تواند نقش محوری در ارتقای نظری و عملی گفت و گو و در نتیجه ترویج فرهنگ مفاهمه و صلح در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند (یونسکو، ۲۰۰۹ الف و ب).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد محور کار روزنامه‌نگاری گفت‌وگو دیالوگ و گفت‌وگو در رسانه است و آن را می‌توان فعالیت‌های رسانه‌ای (از جمله مطبوعاتی) دانست که معیارهای حرفه‌ای و ارزش‌هایی را در بر می‌گیرند که به لحاظ عملی گفت و گو را در در سطوح مختلف گسترش دهند.

### ارتباطات مشارکتی جان سرواس

به دنبال انتقادهایی که از پارادایم عمدتاً اقتصادی نوسازی و پارادایم بیشتر سیاسی وابستگی شد، دیدگاه جدیدی (پارادایم تکثر) درباره توسعه شکل گرفت که به جای اعتقاد به مدلی جهانی برای توسعه، آن را فرایندی یکپارچه، چند بعدی و دیالکتیکی می‌داند که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و هر جامعه‌ای باید بکوشد تا مسیر توسعه متناسب خود را ترسیم کند. بدین معنا مسأله توسعه مسأله‌ای نسبی است و هیچ کشوری [ملتی] نمی‌تواند ادعا کند که از تمامی جهات توسعه یافته است. از دید سرواس، یکی از روندهایی که هسته پارادایم تکثر را تشکیل می‌دهد، جست و جوی توسعه و نیز ارتباطات، از نوعی دیگر است (سرواس، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۱).

### ارتباطات مشارکتی؛ ارتباطات از نوعی دیگر

مدل‌های ارتباطی اولیه (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) نظیر مدل لسول<sup>۲</sup> عمدتاً سلسله مراتبی،

1. eastern Africa Journalists Association

2. Lasswel, Harold D.

دیوان‌سالارانه و فرستنده مدار بودند و به ارتباطات به عنوان فرایندی یک‌سویه از فرستنده به گیرنده تلقی می‌شد. اما از دهه ۱۹۷۰ بدین سو این مدل‌ها با رویکردی بیشتر افقی، مشارکتی و مخاطب محور جایگزین شده‌اند و در چارچوب ارتباطات توسعه، به ارتباط به مثابه فرایند مبادله معنا توجه می‌شود. این دیدگاه (یعنی ارتباطات از نوعی دیگر) «بر چند بعدی بودن، افقی، غیرحرفه‌ای‌سازی و ناهمزمانی در مبادله ارتباطات تأکید دارد. این ایده به یک مدل ارتباطی عمومی محور و همچنین به یک مشارکت فعال و بیشتر دیالکتیکی و همگانی نظر دارد» و ضرورت رسانه‌های همسان، متمرکز، پرهزینه و تجملی، حرفه‌ای، نهادینه و تحت کنترل دولت را رد می‌کند (سرواس، ۱۳۸۴: ۹۸-۹۷).

مشخصه‌های اصلی مدل ارتباطات مشارکتی یا ارگانیک از دید سرواس از این قرار است:

۱. مدل مشارکتی مردم را به عنوان بازیگران مشارکت کننده و بازیگران کنترلی توسعه می‌داند.
  ۲. مدل مشارکتی مردم را به عنوان هسته توسعه می‌بیند. به این معنا که توسعه به معنای ارتقای روحی جامعه محلی برای افتخار کردن به داشته‌های فرهنگی، منطقی و محیطی خود است.
  ۳. مدل مشارکتی بر جامعه محلی به جای دولت ملی و جهان وطنی<sup>۱</sup> به جای ناسیونالیسم و به روحانیت به جای سکولاریزم اومانیستی تأکید دارد. در این مدل بر گفت و گو به جای تک‌صدایی و رهایی به از خود بیگانگی تأکید می‌شود.
  ۴. مشارکت با هدف توزیع مجدد قدرت نخبگان به گونه‌ای که جامعه تبدیل به یک جامعه دموکراتیک تمام عیار شود، صورت می‌پذیرد (سرواس، ۲۰۰۸: ۲۰۲؛ به نقل از کوهستانی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۳).
- بنابراین در دیدگاه سرواس گفت و گو نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق ارتباطات مبتنی بر مشارکت و دموکراسی مشارکتی و در نتیجه حرکت به سوی توسعه بوم‌شناختی دارد.

### حوزه عمومی یورگن هابرماس

هابرماس حوزه عمومی را گستره یا فضایی اجتماعی در میانه دولت و جامعه‌ی مدنی می‌داند که مجموعه‌ای است از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی که کارکردهای غیر فرهنگی یعنی نقش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز می‌یابند. این کارکردها جنبه عمومی یا همگانیت دارند و از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی مستقل و مصون هستند. در عین حال نهادهای گستره‌ی همگانی دارای آن استقلال زندگی شخصی و خصوصی که ویژه‌ی جامعه‌ی مدنی است نیستند. هرکس

بالمقوه حق و قدرت شرکت در حوزه عمومی را دارد و به گونه‌ای آرمانی هیچ کس امتیازی نسبت به دیگران در این فضا ندارد (احمدی، ۱۳۷۲: ۹۸ - ۹۹).

حوزه عمومی جایی است که در آن صورت‌بندی گفتمانی شکل گرفته و فضای اظهار نظر آزادانه، بحث، چاره‌جویی و نوعی گفت و گوی نقادانه اجتماعی در مورد مسائل همگانی به وجود می‌آید.

از دید هابرماس حوزه عمومی قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن چیزی نظیر افکار عمومی بتواند شکل گیرد و تمامی شهروندان باید از امکان دسترسی به این حوزه عمومی برخوردار باشند. تعبیر افکار عمومی نیز به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی ... در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کند و این زمانی محقق می‌شود که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قید و بند گفت‌وگو کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

به طور خلاصه حوزه عمومی مد نظر هابرماس به آن بخش از قلمرو خصوصی [قرن هجدهم اروپا اشاره دارد] که در آن افراد خصوصی جهت تشکیل عموم یا جماعت منتقد گرد هم می‌آمدند و درباره امور همگانی به بحث و گفت‌وگوی عقلانی - انتقادی می‌پرداختند؛ گفت‌وگویی که به شکل‌گیری افکار عمومی منجر می‌شد (هابرماس، ۱۳۸۸: ۳۸۴).

بر این مبنا همگانی، عقلانی و انتقادی بودن را می‌توان به عنوان ویژگی‌های اساسی گفت و گو از دید هابرماس در نظر گرفت.

### منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین

گفت‌وگو یک محور مفهومی کلیدی در تمامی نوشته‌های باختین است. از دید او مهم‌ترین مشخصه بیان<sup>۱</sup>، یا حداقل می‌توان گفت مشخصه‌ای که مورد بی‌توجهی زیادی قرار گرفته، خاصیت و منطق گفت‌وگویی<sup>۲</sup> آن است.

یکی از عناصر اصلی این منطق گفت‌وگویی طبیعت دیالوژیک بیان<sup>۳</sup> است که با دو مفهوم (۱) رابطه هر بیان با بیان‌های پیشین و (۲) خطابیت<sup>۴</sup> بیان - که همان جهت‌گیری آن نسبت به بیان دیگر و به‌طور خاص، نسبت به درک و فهم واکنش (پاسخ) دیگران است - بهتر قابل درک است. بر این مبنا هر بیان به بیان‌هایی پاسخ می‌دهد که پیش از آن آمده‌اند، به گونه‌ای که آنها

1. utterance

2. dialogism

۳. واژه utterance در آثار باختین معانی مختلفی به خود گرفته که در کاربرد فعلی ترجمه بیان برای آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

4. addressivity

را تکذیب، تایید، تکمیل و یا به آنان تکیه می‌کند، بنابراین، بیان ما در صدای دیگران ساکن می‌شود. با این حال، یک بیان نه تنها به بیان‌های پیش از خود در زنجیره ارتباط گفتاری تکیه می‌کند، بلکه با بیان‌هایی که بعد از خود می‌آیند نیز گفت و گو می‌کند. این بدان دلیل است که از همان لحظه نخست، بیان در حالی ساخته می‌شود که واکنش‌های پاسخی ممکن را برای کسی که (بیان) در اصل به خاطر او وضع شده است در نظر می‌گیرد. در اینجا باختین به کیفیت جهت‌گیری بیان به سمت یک شخص، [یا] خطابیت بیان اشاره می‌کند. در این حالت شخص دیگر نیز، مشارکت‌کننده‌ای فعال است، نه یک شنونده منفعل و یک گیرنده پیام آماده شده که قرار است وظیفه ارتباطی وی تنها رمزگشایی اطلاعات باشد (چین و تارولی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۱۳۱۲).

در نگاه باختین آگاهی، اندیشه، زندگی و بیان انسانی همگی طبیعتی دیالوژیک دارند و حیاتشان در سازوکار گفت و گویی معنا می‌یابد. او در اثر مشهور خود مسائل نظریه ادبی داستایفسکی می‌نویسد:

«طبیعت دیالوژیک (گفت و گویی) آگاهی، طبیعت دیالوژیک زندگی انسانی بخودی خود [است]. تنها فرم مناسب برای تشریح زبانی<sup>۲</sup> صحیح زندگی انسان یک گفت‌وگوی بی‌انتهای<sup>۳</sup> است. زندگی در طبیعت خود دیالوژیک است. زیستن به معنای مشارکت در گفت و گو است: سوال کردن، ملاحظه کردن، پاسخ دادن، موافقت کردن و قس علی هذا» (باختین، ۱۹۸۴: ۲۹۳).

بر این مبنا ارزش حیات آدمی به مخاطبانی وابسته است که به طور فعال در پروسه گفت و گویی بی‌پایان مشارکت می‌کنند و از اینجا اهمیت دیگری در منطق گفت‌وگویی (دیالوگیسم) باختین آشکار می‌شود.

### دیگر و چندآوایی

دیگری یا غیر در تفکر باختین جایگاه ویژه‌ای دارد و تنها از طریق دیگری است که ما به آگاهی دست پیدا می‌کنیم. در دیالوگیسم باختین دیالوگ فقط گفت و گوی ساده‌ای نیست که میان دو شخص اتفاق می‌افتد، «بلکه نوعی هستی‌شناختی است که از وجود دیگری، خود معنادار می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۷۹ و ۲۶۶).

به باور باختین، عرصه‌ی گفت و گو را باید از دست نهادهای رسمی و وابسته به قدرت خارج و مردم را در آن شریک کرد. او درصدد تدوین زبانی دموکراتیک است که بر مبنای دیالوگ تعریف می‌شود و تنها شیوه‌ای است که می‌توان به برابری و آزادی دست یافت (نظری، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷).

1. Cheyne & Tarulli  
2. verbally expressing  
3. open-ended dialogue

بر این اساس دگر آوایی در کانون دیالوگ و در مقابل تک‌گویی قرار می‌گیرد. در ژانر تک‌گویانه فقط یک روایت مسلط وجود دارد و دیگری در این ژانر فقط شنونده است و از هیچ‌گونه کثرت و گسیختگی خبری نیست؛ فقط یک حقیقت تام و مطلق وجود دارد و همواره بر انسجام و وحدت آواها تأکید می‌شود در صورتی که، حقیقت برای باختین جز در گفت و گو میان انسان‌ها وجود ندارد. چنین گفت و گویی جز با مقاومت در برابر تک‌آوایی و روی آوردن به چندآوایی، تکرر و گوناگونی اندیشه ممکن نیست (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

بر مبنای آنچه گفته شد چندآوایی و بی‌پایان بودن گفت‌وگو را می‌توان از مولفه‌های اصلی گفت‌وگوی باختینی دانست.

### گفت و گوپذیری پنهان<sup>۱</sup> و صدای سوم<sup>۲</sup> (فرامخاطب)<sup>۳</sup>

فهم صحیح منطق گفت و گویی باختین و رابطه بیان با بیان‌های پیش و پس از خود در این نظریه، نیازمند توجه به دو مفهوم کلیدی گفت و گوپذیری پنهان و صدای سوم در اندیشه باختین است که در منابع فارسی توجه چندانی به آنها نشده است. بر مبنای گفت و گوپذیری پنهان، هر بیانی ضرورتاً دیالوژیک (گفت و گویی) است، فارغ از اینکه نمایش خارجی آن چقدر تک‌صداً<sup>۴</sup> یا مونولوژیک (تک‌گویانه) باشد. در هر بیانی بیان دیگری مفروض است، خواه از نظر زمانی و مکانی به هم مرتبط و نزدیک باشند یا خیر. از آن مهمتر اینکه شرکت‌کننده در گفت و گو و طرف صحبت می‌تواند نامعین<sup>۵</sup> و غیر واقعی<sup>۶</sup> باشد. بر این اساس صدایی که شنیده می‌شود درحقیقت پاسخی به بیان‌های گذشته و یا پیش‌بینی بیان‌های آینده است. حتی زمانی که فرد با خودش صحبت می‌کند، در یک گفت و گو درگیر شده است (بون، نوتک و هاینینگ-بوتن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸).

باختین در این باره می‌گوید:

« این مخاطب می‌تواند یک مشارکت‌کننده - طرف صحبت بی‌واسطه در یک گفت‌وگوی هرروزه ... مافوق، مادون، آشنا، غریبه، بیگانه و غیره باشد. و همچنین ممکن است یک دیگر نامعین غیر واقعی باشد... » (باختین، ۱۹۸۶: ۹۵).

« گفت و گو بین دو نفر را تصور کنید که در آن عبارات نفر دوم حذف شده، اما بگونه‌ای که

1. hidden dialogicality
2. third voice
3. superaddressee
4. univocal
5. indefinite
6. unconcretized
7. Eun, B., Knotek, S. E., & Heining-Boynton



حس کلی به هیچ عنوان از دست نرفته است. نفر دوم بصورت پنهان حاضر است، کلمات وی آنجا نیستند، لیکن اثر عمیقی که توسط این کلمات باقی مانده است تأثیری تعیین کننده روی تمامی کلمات موجود و قابل لمس نفر اول دارند. ما احساس می‌کنیم که این یک گفت و گوی دو نفره است، در حالی که تنها یک نفر در حال صحبت است و این، گفت و گویی از نوع بسیار قوی است که در آن، فرد حاضر، پاسخ‌هایی را به صورت کلمه یا جمله بیان می‌کند و به واسطه آنها با هر سلول وجود خود به گوینده نامریی پاسخ می‌دهد و به چیزی بیرون از خود توجه دارد، و رای محدودیت‌های خود، به کلمات گفته نشده فردی دیگر» (باختین، ۱۹۸۴: ۱۹۷).

این مسئله خاص بیان‌های تک‌گویانه نیست. حتی زمانی که دو نفر مشغول گفت و گو هستند نیز مخاطبی دیگر حاضر است. به غیر از شرکت‌کنندگان قابل دیدن و صداهای قابل شنیدن در گفت و گو (صدای اول و دوم)، صدایی وجود دارد که غیر قابل شنیدن است و شرکت‌کننده مستقیم<sup>۱</sup> محسوب نمی‌شود. هم‌سخن نادیدنی و صدای ناشنیدنی درون یک زمینه وسیع‌تر زبانی، کنش‌های متقابل بین طرفین قابل دیدن و صداهای قابل شنیدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جایی است که مفهوم صدای سوم / فرامخاطب / هم‌سخن دور<sup>۲</sup> باختین به کار می‌آید؛ اگرچه صدای سوم به صورت مستقیم در گفت‌وگوها (کنش‌های متقابل زبانی بین صدای اول و دوم) شرکت نمی‌کند، به صورت غیر مستقیم بر گفتار و عملکرد آنان اثر می‌گذارد (بون، نویتک و هاینینگ- بونت، ۲۰۰۸).

به طور خلاصه صدای سوم را می‌توان زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی- تاریخی خاصی دانست که به طور غیر مستقیم بر مونولوگ صدای اول یا بر دیالوگ او با صدای دوم اثر می‌گذارد.

### حوزه توسعه مجاور لو و یگوتسکی

لو سمنوویچ و یگوتسکی (۱۹۳۴-۱۸۹۶)، دانشمند فقید روس است که از دهه ۱۹۶۰م، کم کم در جهان غرب شناخته شده و به عمق اندیشه‌های او در زمینه‌های گوناگون دانش بشری پی برده شد. وی در عمر کوتاه خود نظریه‌های بدیعی در حوزه روان‌شناختی و نقد ادبی به جا گذاشت که گفت‌گو در آنها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

### گفتار درونی شبه اجتماعی<sup>۳</sup>

از دید و یگوتسکی گفتار درونی آخرین مرحله از توسعه گفتار است؛ کودک مثل قبل با صدای

1. direct participant  
2. distant interlocutor  
3. quasi-social inner speech

بلند با خود گفت و گو و رفتار خود را کنترل نمی‌کند، بلکه به عکس، شکل ارتباط اجتماعی را درونی و اعمال خود را تنظیم می‌کند. در این مرحله گفتار در شخصیت رخنه و خودآگاه یا من را به وجود می‌آورد (ویگوتسکی، ۱۳۶۵: ۱۷۸-۱۷۴).

در مرحله درونی شدن گفتار، کلمه‌ها کامل ادا نمی‌شوند، یعنی تلفظ صوتی گفتار از بین می‌رود و ما دیگر با خود کلمات کار نداریم بلکه آنها را تصور می‌کنیم. به عبارت دیگر، با مضمون کلمه‌ها سرو کار داریم، نه با بیان لفظی آنها. بنابراین ما در اندیشه خود از مضمون عبارات خود قبل از به زبان آوردن آنها آگاهییم (نرسیسیانس، ۱۳۷۷: ۱۶۶ و ۱۶۷).

درونی شدن گفتار شبه اجتماعی ناظر بر درونی شدن یک دیالوگ اجتماعی است. چنین گفتاری محصول دیالوگ اجتماعی با شخصی دیگر نیست و فرد به یک انسان دیگر برای گفت و گو تکیه نمی‌کند، بلکه «سخنی را که ممکن است در زمینه ذهنی وی رخ داده باشد پیش پنداری می‌کند (در نظر می‌آورد) و به صورت گفت و گوی درونی و خودمدار به آن پاسخ می‌دهد» (چین و تارولی، ۱۹۹۹: ۹). گفتار درونی شبه اجتماعی از اقسام «عملکرد درون‌روانی/ درون‌ذهنی»<sup>۱</sup> است که نزدیکی زیادی با مفاهیم گفت و گوپذیری پنهان و صدای سوم باختمین دارد؛ به این معنا که ممکن است تنها یک فرد صحبت کند، اما اثر حضور فرد دیگر غیر قابل دیدن، از کلمات ناگفته وی، همچنان در سخن و کلام گوینده حس می‌شود.

بدین ترتیب درونی‌ترین مکانیزم‌های روان‌شناختی اشخاص نیز به وسیله یک زمینه گفت‌وگویی وسیع‌تر معین می‌شود؛ افراد حتی در درونی‌ترین سطوح روان نظیر تفکر، منطق گفت و گویی ضروری<sup>۲</sup> خود را حفظ می‌کنند. لذا تفکر و آگاهی انسانی<sup>۳</sup> از دید ویگوتسکی ماهیت گفت و گویی دارند (یون، نوتک و هاینینگ- بونتین، ۲۰۰۸).

#### حوزه توسعه مجاور<sup>۴</sup>

یکی از کارآمدترین مفاهیمی که - چه از نظر تئوریک و چه از نظر عملی- از سوی ویگوتسکی مطرح شده حوزه/منطقه توسعه مجاور است. او در اثر ارزشمند خود ذهن در جامعه می‌گوید:

«حوزه توسعه مجاور، کارکردهایی را تعریف می‌کند (شامل می‌شود) که کامل نشده، ولی در فرایند بلوغ هستند، کارکردهایی که فردا به کمال می‌رسند، اما اکنون در حالت جنینی‌اند. این کارکردها را می‌توان غنچه‌ها یا شکوفه‌های رشد/توسعه خواند تا میوه‌های آن. سطح رشد واقعی، رشد روانی (فکری) را با نگاه به گذشته توصیف می‌کند، حال آنکه

1. intrapsychological functioning
2. essential dialogism
3. human consciousness
4. zone of proximal development (ZPD)

حوزه توسعه مجاور رشد روانی را با نگاه به آینده وصف می‌کند» (ویگوتسکی، ۱۹۷۸: ۸۷).  
و با این اندیشه حوزه توسعه مجاور را اینگونه تعریف می‌کند:  
«فاصله بین سطح رشد واقعی که بر اساس حل مسئله به صورت مستقل تعیین می‌شود، و سطح رشد بالقوه که بر اساس حل مسئله تحت هدایت بزرگسالان یا در همکاری با همسالان توانا<sup>۱</sup> تعیین می‌گردد» (ویگوتسکی، ۱۹۷۸: ۸۶).

### گفت‌وگو در منطقه/حوزه توسعه مجاور

کنش‌های متقابل در حوزه توسعه مجاور (زد. پی. دی) به بچه‌ها امکان می‌دهند که در فعالیت‌هایی که به تنهایی برای آنها ناممکن بود، با استفاده از ابزارهای فرهنگی که باید متناسب با فعالیت‌های خاص باشند، مشارکت نمایند. لذا مدل رشد/توسعه از طریق فرآیندهای جمعی مشارکت و خلق فرهنگ عمل می‌کند (کورسارو، ۱۳۸۵: ۸). چنین مشارکتی که به تحول و ارتقای فرهنگی درون زد. پی. دی منجر می‌شود، جز از طریق مکانیزم‌های گفت و گویی محقق نمی‌شود.

اساساً ساختار دیالوژیک حوزه توسعه مجاور یک خصیصه بزرگ آن در مفهوم ارائه شده از سوی ویگوتسکی است: در زد. پی. دی آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده درگیر تبادلی به منظور رسیدن به یک توافق<sup>۲</sup> درباره هدف همکاری، ساختار مشکل موجود و مناسب‌ترین راه حل برای آن هستند (چین و تارولی، ۱۹۹۹: ۱۶).

در واقع گفت و گوی بین شخص واسطه و میانجی (آموزش‌دهنده) و کودک (آموزش‌گیرنده)، یگانه عامل قطعی و بسیار مهم در رشد کودک محسوب می‌شود. همچنان که که آموزش‌گیرنده رسانه کنش متقابل اجتماعی یعنی گفت و گو را درونی می‌کند، توانایی اینکه خود روش‌ها و رفتارهای حل مسئله را کنترل کند را به دست می‌آورد. یعنی آموزش‌گیرنده تدریجاً به سوی مرحله رشد بعدی (مجاور) پیش می‌رود (یون، نو تک و هاینینگ-بوتن، ۲۰۰۸).

نکته قابل توجه اینکه آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده اکنون می‌توانند از طریق ابزارهای تکنولوژیک نیز با هم گفت و گو کنند، مشروط بر اینکه بدانند از آنها چگونه در جهت اهداف زد. پی. دی استفاده کنند. در واقع رسانه‌ها می‌توانند بستر ضروری گفت و گو درون زد. پی. دی را فراهم کنند. از این طریق به عنوان محرک اجتماعی برای یادگیری ایفای نقش کنند (مارش و کتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

1. more capable peers  
2. consensus  
3. Marsh, George E. and John J. Ketterer

### ویگوتسکی - باختین و زد. پی. دی بسط یافته

حوزه توسعه مجاور گسترش / بسط یافته<sup>۱</sup> محصول نظری تلفیق عناصری از اندیشه باختین با حوزه توسعه مجاور ویگوتسکی و به نوعی مفهوم سازی دوباره از زد. پی. دی است. شارحان ویگوتسکی سعی کرده اند با وارد کردن مفاهیمی از اندیشه باختین چون صدای سوم و گفت و گوی سقراطی به حوزه توسعه مجاور، عناصر ضمنی و تلویحی رویکرد ویگوتسکی را به وسیله مفاهیم برساخته باختین صراحت بخشند و مکانیزم عمل و سازوکار زد. پی. دی را بهتر و بیشتر توضیح داده و روشن تر کنند.

بر مبنای تلفیق نظر باختین و ویگوتسکی، علاوه بر صدای اول و دوم، یک صدای سوم (فرامخاطب) نیز در زد. پی. دی متصور است که به صورت ضمنی و غیرمستقیم در گفت و گو حضور دارد. این صدا غیر قابل شنیدن است و در صدای اول بازتاب یافته و از طریق آن عمل می کند. در واقع صدای سوم زمینه های اجتماعی - فرهنگی - تاریخی خاصی را شامل می شود که دیدگاه صدای اول در مورد هدف و نحوه برخورد با صدای دوم در محیط زد. پی. دی را شکل می دهد و آموزش دهنده بر اساس آن با آموزش گیرنده رفتار می کند. بر این اساس سه ژانر دیالوژیک مختلف برای زد. پی. دی در نظر گرفته شده است:

#### ۱- گفت و گوی آمرانه: دیگر مقنن<sup>۲</sup>

در گفت و گوی آمرانه صدای اول (آمرانه) بر صدای دوم (کارآموزانه) - پدر/ مادر بر فرزند، معلم بر دانش آموز، آموزش دهنده بر آموزش گیرنده (کارآموز) - تفوق و برتری دارد. حفظ این عدم تقارن نیازمند یک صدای سوم است. در واقع نفوذ و اقتدار صدای سوم است که در صدای اول تجلی می یابد. بدین ترتیب در فضای زد. پی. دی، عملکرد درون روانی صدای اول پاسخ دیالوژیک مستقیمی به صدای دیگری (صدای سومی) است که مستقیماً و بلافاصله قابل شنیدن نیست، اما در واقع صدای اول با او وارد گفت و گو شده. بدین ترتیب صدای سوم به نقش ها و وظایف صدای اول درون زد. پی. دی شکل می دهد. در نتیجه آنچه از سوی آموزش گیرنده درون زد. پی. دی درونی می شود نیز، در نهایت بر پایه صدای سوم است، چراکه که برنامه و دستور کار آموزش دهنده، هر چند به صورت ضمنی، بر پایه اقتدار / نفوذ صدای سوم است. به زبان ساده صدای سوم قلمرو و جهت رشد / توسعه بالقوه درون حوزه توسعه مجاور را مشخص می کند (یون، نوتک و هاینینگ - بونتن، ۲۰۰۸).

#### ۲- گفت و گوی سقراطی: دیگر سؤال کننده<sup>۳</sup>

همچنانکه آموزش گیرنده نقش فعالیت در فرایند آموزشی به عهده می گیرد، گفت و گوی آمرانه به

1. the expanded ZPD

2. magistral dialogue: the authoritative other

3. socratic dialogue: the questioning other

گفت و گوی سقراطی تغییر شکل می‌دهد. در گفت و گوی سقراطی برخلاف گفت‌وگوی آمرانه، (فرد) دیگر<sup>۱</sup> (صدای اول)، متخصص دارای توانایی شناختی بیشتر در نظر گرفته نمی‌شود. از این نظر، روابط یک‌طرفه و عمودی (از بالا به پایین) یا به عبارتی روابط دارای ساختار سلسله‌مراتبی (رئیس و مرئوس) متخصص و نوآموز در گونه آمرانه زد. پی. دی جای خود را به روابط افقی، برابر و دو طرفه مبتنی بر پرسش و پاسخ متقابل می‌دهد. صدای دوم دیگر منفعلانه، صرفاً به آنچه صدای اول به او عرضه می‌دارد اکتفا نمی‌کند و وارد گفت‌وگو می‌شود. نتیجه چنین فرایندی می‌تواند رسیدن به فهم مشترکی باشد که از تأثیرات دوسویه<sup>۲</sup> حکایت دارد و هر دو طرف گفت‌وگو را به ترازهای معرفتی جدید کشانده و فرصتها و چشم‌اندازهای نوینی پیش روی آنها می‌گشاید. در اینجا پیش‌فرض‌های مورد سوال واقع نشده‌ای که گفت و گوی آمرانه را در زد. پی. دی هدایت می‌کردند و درک شخصی آموزش‌دهنده، همانند درک شخصی آموزش‌بیننده، موضوع تغییر خواهد بود. آموزش‌گیرنده ممکن است صحبت‌های (طرف) دیگر را اصلاح کند و تقویت کند. بدین شکل درستی درک و فهم آموزش‌دهنده از صدای سوم ممکن است مورد سوال قرار گیرد و یا اقتدار صدای سوم با چالش مواجه شود. در واقع، در فرهنگ پلورالیستی، صدای دوم برای اصلاح صدای سوم و تغییر تبعیت خود از هر صدای سومی آزاد است. در این ژانر گفت‌وگو همواره بی‌پایان<sup>۳</sup> است و ممکن است هر لحظه علیه یکی از شرکت‌کنندگان، و حتی صدای سوم بچرخد. از همین روست که برخی اندیشمندان تفسیرگرای معاصر بر مشارکت رو به رشد در شبکه‌های اجتماعی به عنوان مکانیزم عمل صحیح در زد. پی. دی تاکید دارند (چین و تارولی، ۱۹۹۹: ۲۱-۱۹).

### ۱-۳ گفت و گوی منیپه‌ای<sup>۴</sup> (کارناوالی)

هنگامی که صدای اول در مقابل تغییر شرایط صدای دوم مقاومت می‌کند و در واقع صدای سوم زیر بار پرسش‌های آزادانه صدای دوم نمی‌رود، یک واکنش متعارف صدای دوم نوعی نسبی‌گرایی است که تمسخر و هجو اقتدار صدای سوم و اول را از سوی صدای دوم در پی دارد. در حقیقت نگاه منطقی و پرسش‌های شکاکانه، اما صادقانه صدای دوم در گفت و گوی سقراطی، جای خود را به نگاه بدبینانه و پرسش‌های هجوآلود و تمسخرآمیز او در گفت و گوی منی‌په‌ای می‌دهد. در اینجا هجو منی‌په‌ای و تمسخرگی و جنبه‌های غیررسمی کارناوال<sup>۵</sup> در اندیشه باختین بروز و ظهور می‌یابد.

در چنین شرایطی واکنش منفی و یا قهرآمیز نسبت به صدای دوم، خطر بدتر شدن روابط و برخورد و

1. the other
2. "bi-directional effects"
3. open-ended
4. menippean Dialogue
5. carnival

ستیزه بین صداها را به دنبال دارد؛ نماینده صدای سوم (صدای اول) ممکن است از طرق مختلف، سعی در آموزش مجدد، تادیب، تعدیل، سکوت یا تبعید صدای دوم سرکش نماید. اقتدار موجود دائما سعی در مدیریت رابطه از طریق انگ زدن، بدنامسازی و متوقف کردن صدای دوم و نهایتا بازگشت به یک گفت وگویی آمرانه پایدار دارد. از این رو معمولا داغ نابالغ بودن، انحراف، مریض‌احوالی و یا خرابکاری بر پیشانی صدای دوم می‌خورد. ورود رابطه میان صداها به چنین وضعیتی بر خلاف اهداف زد. پی. دی و در عین حال خطرناک و مضر است (چین و تارولی، ۱۹۹۹: ۲۳-۲۱).

### چارچوب مفهومی پژوهش

این پژوهش برداشتی بسطیافته از مفهوم حوزه توسعه مجاور ویگوتسکی بر مبنای منطق گفت وگویی باختین را به عنوان محور اصلی چهارچوب مفهومی خود در نظر گرفته و از رهگذر تلفیق آن با نظریه‌های کنش ارتباطی و حوزه عمومی هابرماس و ارتباطات مشارکتی سرواس و در عین حال لحاظ کردن ویژگی‌ها و الزامات روزنامه‌نگاری گفت وگو به عنوان بحث محوری تحقیق، «الگو و مدل توسعه فرهنگی در حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای»<sup>۱</sup> را طراحی کرده و آن را در قالب چارچوب مفهومی عرضه کرده است.

حوزه توسعه مجاور مبحثی در روان‌شناسی رشد است که بر اساس آن توانایی کودک/آموزش‌گیرنده در حل مسائل به صورت مستقل معرف سطح رشد فعلی و واقعی او و توانایی‌اش در حل مسائل به کمک دیگران نشان‌دهنده سطح رشد بالقوه او در نظر گرفته می‌شود. فاصله میان این دو سطح منطقه یا حوزه رشد/توسعه مجاور را تشکیل می‌دهد. رشد در زد. پی. دی و به طور کلی در نگاه ویگوتسکی به معنای دستیابی به توانش فرهنگی<sup>۲</sup> از طریق درونی‌کردن ابزارهای روان‌شناختی و ابزارهای فرهنگی به وجود آمده در طول تاریخ یک جامعه است که این درونی‌کردن در خلال کنش متقابل گفت وگویی محقق می‌شود. در واقع گفت وگویی بین صدای اول (آموزش‌دهنده)<sup>۳</sup> و صدای دوم (آموزش‌گیرنده)<sup>۴</sup> عاملی است که زمینه حرکت به سوی مرحله بعدی (مجاور) رشد را فراهم می‌آورد.

در این تحقیق بر اساس برداشتی بسطیافته از زد. پی. دی، رسانه به مثابه زد. پی. دی در نظر گرفته می‌شود که هدف این زد. پی. دی رسانه‌ای توسعه فرهنگی است. بر مبنای نظر باختین سه ژانر گفت‌وگویی مختلف برای زد. پی. دی در نظر گرفته شده که هر کدام مستلزم عملکرد رسانه‌ای متفاوتی است.

1. the pattern and model of cultural development in the media zone of proximal development
2. to achieve cultural competence
3. tutor
4. tutee

ژانر گفت‌وگوی *آمرانه* بر پایه نفوذ و اقتدار صدای سوم و پذیرش این اقتدار از سوی صدای اول است. در اینجا صدای سوم برنامه و دستورکار آموزش‌دهنده و در واقع قلمرو و جهت توسعه بالقوه درون حوزه توسعه مجاور را فراهم می‌کند. در این نوع گفت‌وگو صدای سوم و متعاقب آن صدای اول بر صدای دوم تفوق و برتری دارند و فرض بر این است که می‌دانند گفت‌وگو به کجا دارد می‌رود. همچنین انحرافها را از برنامه و خط سیر مناسب در جهت هدف توسعه‌ای و پایان غایی زد. پی. دی (که توسط صدای سوم مشخص شده)، مد نظر قرار داده و تصحیح می‌کنند. گفت‌وگوی *آمرانه* با منطق تک‌گویی رسمی<sup>۱</sup> باختین تطابق و نزدیکی دارد و لذا بیشتر با آن نوع گفت‌وگوی رسانه‌ای سازگار است که یک طرف آن دولت/حوزه رسمی (صدای اول) و طرف دیگر آن مردم (صدای دوم) باشند. بدین ترتیب با یک مدل دستوری و رابطه عمودی از بالا به پایین مواجهیم که از طریق گفت‌وگوی *آمرانه* رسانه‌ای عمل می‌کند.

موفقیت زد. پی. دی در ژانر مبتنی بر گفت‌وگوی *آمرانه* در گرو این است که اهداف، برنامه‌ها و دستورکار صدای سوم کاملاً در جهت توسعه فرهنگی حقیقی جامعه و در تطابق و سازگاری با آن باشد، در غیر این صورت زد. پی. دی به هدف خود نرسیده و شکست خواهد خورد. هرچند در صورت موفقیت نیز توسعه‌ای دستوری و یکجانبه خواهد بود.

در ژانر گفت‌وگوی *باختینی-هابرماسی*<sup>۲</sup> قدرت گفت‌وگو به سادگی از بالا جاری نمی‌شود، بلکه توزیع می‌شود و به‌صورت بالقوه برای تمام کسانی که وارد پروسه گفت‌وگو می‌شوند در دسترس است. صدای دوم دیگر به آسانی در مقابل صدای اول که اقتدار صدای سوم در کلامش بازتاب می‌یابد، ساکت نمی‌شود و به روش‌های پیش‌بینی نشده و چالش برانگیز از خود دفاع می‌کند. در واقع ویژگی مهم این نوع گفت‌وگو مقاومت صدای دوم در برابر محدودیت‌های اعمالی و برنامه مد نظر صدای سوم است. در این ژانر، صدای اول جایگاه بالاتر خود را از دست می‌دهد و ساختار روابط عمودی و دستوری و ارتباط یکسویه گفت‌وگوی *آمرانه*، جای خود را به روابط افقی و برابر مبتنی بر پرسش و پاسخ دوسویه می‌دهد. در واقع نوعی کنش متقابل گفت‌وگویی، مشابه کنش ارتباطی هابرماس شکل می‌گیرد. از این رو زد. پی. دی مبتنی بر گفت‌وگوی *باختینی-هابرماسی*، فضایی

#### 1. official monologism

۲. استفاده از عبارت گفت‌وگوی *باختینی-هابرماسی* به جای گفت‌وگوی سقراطی اولاً بدان دلیل است که در این تحقیق از رهگذر اندیشه باختین به گفت‌وگوی سقراطی نگریسته‌ایم و ثانياً اینکه ویژگی بی‌پایان بودن گفت‌وگو - که برآمده از اندیشه سقراط است - را با ویژگی چندآوایی گفت‌وگوی *باختینی* و نیز خصلت همگانی، عقلانی، انتقادی گفت‌وگوی *هابرماسی* ترکیب کرده‌ایم تا به تعریف مد نظر خود از گفت‌وگو برسیم. لذا تعبیر گفت‌وگوی *باختینی-هابرماسی* را برگزیدیم که به نسبت گفت‌وگوی سقراطی بیشتر با نگاه مختار ما به گفت‌وگو همخوانی داشته و آن را بهتر معرفی می‌کند.

برای گفت و گو و اظهار نظر آزادانه پدید می‌آورد که به حوزه عمومی هابرماس نزدیک می‌شود، با این تفاوت که محدود به حوزه غیر دولتی نیست و طرفین گفت و گو می‌توانند به عنوان مثال از بین مردم، گروه‌های مختلف اجتماعی، رهبران افکار و یا دولت انتخاب شوند.

ساز و کار عمل زد. پی. دی در اینجا آن چیزی است که ما *روزنامه‌نگاری گفت و گو* می‌خوانیم، یعنی رسانه بستری می‌شود برای تحقق گفت و گویی بی‌پایان، چندآوا، عقلانی، انتقادی و همگانی. در این گفت و گو صدای سوم به چالش کشیده شده و ممکن است اصلاح شود. بدین ترتیب صدای اول نیز چون صدای دوم موضوع تغییر است.

همانگونه که پیشتر ذکر شد، شارحان ویگوتسکی بر مکانیزم مشارکت در زد. پی. دی تأکید کرده‌اند. به‌خصوص در زد. پی. دی مبتنی بر گفت و گوی باختینی- هابرماسی، گفت و گویی جریان دارد که تا حد زیادی ارتباطات مشارکتی را تقویت می‌کند که این خود، منجر به توسعه از دیدگاه سرواس خواهد شد. نتیجه چنین فرایندی تنها مبادله اطلاعات نیست، بلکه فعلیت یافتن توانایی‌های بالقوه و در عین حال بالا رفتن ظرفیت‌هاست. نتیجه آن تغییر در واقعیت‌های موجود و خلق واقعیت‌های نو، ارتقای مخاطبان به ترازهای معرفتی جدید و پدید آمدن مناظر و افق‌های تازه برای سیر در عرصه‌های نظر و عمل است.

بدین ترتیب حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای از طریق مکانیزم *روزنامه‌نگاری گفت و گو*، زمینه تقویت و تداوم ارتباطات دوسویه، تعاملی و مشارکتی را فراهم می‌کند که این نوع ارتباط دستیابی به توسعه فرهنگی را هموار می‌سازد.<sup>۱</sup>

در عین حال همواره امکان جایگزینی *گفت و گوی باختینی- هابرماسی با گفت و گوی منی‌په‌ای/کارناوالی* وجود دارد. هنگامی که صدای سوم و اول تغییر شرایط صدای دوم و مقاومت آن را بر نمی‌تابند، واکنش صدای دوم ممکن است هجو و تمسخر صدای سوم و اول و اقتدار آنها باشد. در اینجا پرسش‌های منطقی و نقد صادقانه *گفت و گوی باختین- هابرماسی*، جای خود را به پرسش‌های تمسخرآمیز و هجو بدبینانه *گفت و گوی کارناوالی* می‌دهد. صدای سوم ممکن است به طور کامل مورد استهزاء قرار گیرد، اقتدارها واژگون شود و پرچم‌ها و تمثال‌های رهبران سوزاده شوند (چین و تارولی، ۱۹۹۹: ۲۲).

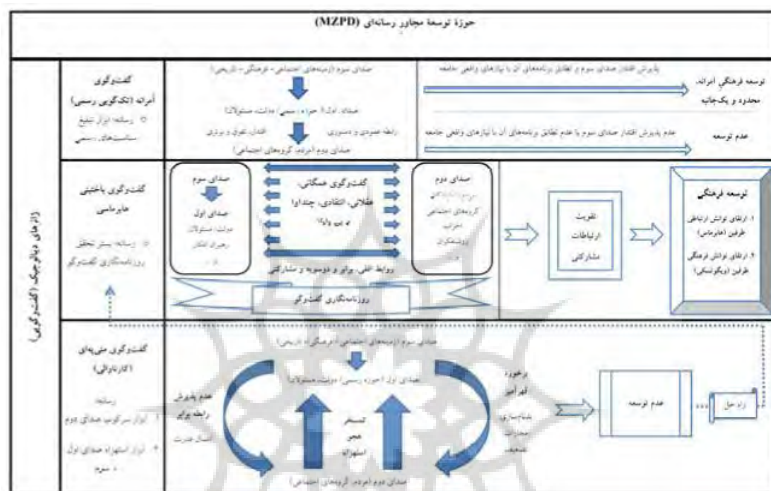
خطری که در این شرایط وجود دارد این است که با این هجو برخورد شود و صدای اول از طریق انگ دگراندیش، منحرف، بیمار و خرابکار زدن به صدای دوم، آن را تضعیف کند و اقتدار صدای سوم را بازگرداند. در صورتی که رسانه چنین کارکردی پیدا کند، کاملاً بر خلاف اهداف توسعه‌ای زد. پی. دی عمل کرده است. راه گریز از چنین وضعیتی آن است که در مواجهه با

۱. ارتباطات مشارکتی از ویژگی‌ها و لوازم اصلی مدل مشارکتی توسعه در دیدگاه سرواس است.



هجو کارناوالی، رسانه به جای بدنام‌سازی صدای دوم، مجدداً بستر را برای برای بازگشت به گفت‌وگوی باختینی- هابرماسی و حرکت در مسیر توسعه فرهنگی فراهم کند. حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای و فرایندهایی که درون آن به توسعه فرهنگی و یا عدم توسعه منتهی می‌شوند به صورت مدل (شکل ۱) نشان داده شده است.

### مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره ۱: الگوی توسعه فرهنگی بر پایه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

### روش‌شناسی

این پژوهش با توجه به ماهیت و ضرورت کار، کیفی است که در آن علاوه بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، از مصاحبه عمقی با متخصصان استفاده شده است. به لحاظ ضرورت شناخت نقش و کارکردهای گفت‌وگو در روزنامه‌نگاری، سه گروه ۱- صاحبان آثار نظری و عملی گفت‌وگو، ۲- استادان ارتباطات و ۳- روزنامه‌نگاران به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شدند تا ابعاد و وجوه مختلف نظری و عملی روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مد نظر قرار گیرد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند در کل این مجموعه بوده و تلاش شده است مصاحبه با کسانی از هر سه دسته صورت گیرد که به لحاظ نظری و یا عملی با مقوله گفت‌وگو آشنایی بیشتری دارند. از آنجا که در این فرایند اشباع نظری ملاک عمل است، مصاحبه تا رسیدن به این سطح انجام گرفت که در نهایت شامل ۲۱ تن از صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو،

استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاران گردید. صاحبۀ عمقی در این پژوهش با تکنیک نیمه‌هدایت‌شده در دو سطح سوالات اولیه و ثانویه به انجام رسیده است. طرح سوالات اولیه بر پایه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. در خلال مصاحبه با افراد نیز، بسته به فضا و محتوای مکالمه، پرسش‌های دیگری (سوالات ثانویه) به منظور تکمیل و تدقیق سوالات اولیه مصاحبه طرح شده‌اند. در این پژوهش چنانکه ویمر و دومینیک برای تحقیقات از این دست توصیه می‌کنند، به منظور تحلیل داده‌ها از فن مقایسه دائمی به تناسب کار استفاده شده است که شامل مراحل مقایسه و قراردادن پاسخ‌ها در دسته‌های معین بر اساس دسته‌های نمونه، تدقیق و پالایش دسته‌ها، جست و جو و استخراج روابط و مضامین مشترک میان دسته‌ها و مولفه‌سازی براساس یافته‌ها و نتایج مصاحبه‌ها، نتیجه‌گیری از تک‌تک و نهایتاً مجموع سؤال‌ها و ساده کردن و ترکیب داده‌ها در یک ساختار نظری منسجم می‌باشد (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۹: ۱۶۵ و ۱۶۶).

### پایایی و روایی پژوهش

قابلیت اعتماد (پایایی) این پژوهش، از طریق شیوۀ واری از سوی افراد تحت بررسی به‌دست آمده است.

واری از سوی افراد تحت بررسی یکی از روش‌های دستیابی به قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی است که در آن از بخشی از شرکت‌کنندگان (مصاحبه‌شوندگان) خواسته می‌شود تا یادداشت‌ها و نتیجه‌گیری محقق را بخوانند و بگویند که توصیف او از آنچه آنها گفته‌اند دقیق است یا خیر (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۹: ۱۷۱). پژوهش حاضر دارای روایی (اعتبار) سازه نیز، چراکه مقوله‌ها و سؤال‌ها آن از دل مبانی نظری و چارچوب مفهومی تحقیق استخراج شده‌اند.

### بررسی یافته‌ها

در این بخش یافته‌های پژوهش که پاسخ‌های هر یک از سه دسته استادان ارتباطات، روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران حوزه گفت و گو به سوالات مصاحبه را در برمی‌گیرد، به صورت جدول ارائه خواهد شد.

#### ۱- مولفه‌های روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

گفت و گو در تعریف ابتدایی این تحقیق از روزنامه‌نگاری گفت و گو دارای ویژگی‌های همگانی، عقلانی، انتقادی، چندآوا، بی‌پایان بودن است. جدول ۱ مولفه‌های پیشنهادی روزنامه‌نگاری گفت و گو و در عین حال مولفه‌هایی که از سوی مصاحبه‌شوندگان به طور کلی در دنیا و به طور خاص در ایران قابل تحقق و دستیابی هستند را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

مؤلفه‌های قابل دسترس به طور خاص در ایران	مؤلفه‌های به طور کلی قابل دسترس	مؤلفه‌ها، عناصر و ویژگی‌های گفت‌وگویی روزنامه‌نگاری گفت‌وگو	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ تعاملی</li> <li>✓ هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها</li> <li>✓ به طور کلی احتمال تحقق اندکی دارند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ عقلانی</li> <li>➤ انتقادی</li> <li>➤ چندآوا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ برابر</li> <li>❖ افقی</li> <li>❖ تعاملی</li> <li>❖ آزادانه</li> <li>❖ دیالکتیکی</li> <li>❖ دانایی محور</li> <li>❖ دموکراتیک</li> <li>❖ متعهد</li> <li>❖ فrazبانی</li> <li>❖ داوطلبانه</li> </ul>	استادان ارتباطات
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ به طور کلی احتمال تحقق اندکی دارند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ بی‌پایان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ آزادانه</li> <li>❖ برابر</li> <li>❖ همسنگ</li> <li>❖ شایسته‌سالار</li> <li>❖ فاقد پیش شرط</li> <li>❖ فاقد پیش داوری</li> <li>❖ مبتنی بر نوعی نسبیت</li> </ul>	روزنامه‌نگاران
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ به دور از مطلق‌گرایی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ همه مؤلفه‌ها (به طور نسبی)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ نقادانه</li> <li>❖ همدلانه</li> <li>❖ روادارانه</li> <li>❖ به دور از مطلق‌گرایی</li> <li>❖ فعال</li> <li>❖ سیال</li> </ul>	صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ به طور کلی احتمال تحقق اندکی دارند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ همه مؤلفه‌ها (به طور نسبی)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ مبتنی بر نوعی نسبیت و به دور از مطلق‌گرایی</li> <li>❖ آزادانه</li> <li>❖ برابر</li> </ul>	موارد دارای بیشترین توافق

## ۲- زمینه‌های مساعد برای روزنامه‌نگاری گفت و گو

جدول شماره ۲: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد زمینه‌های مساعد روزنامه‌نگاری گفت و گو

زمینه‌های مساعد روزنامه‌نگاری گفت و گو در ایران به طور خاص	زمینه‌های مساعد روزنامه‌نگاری گفت و گو به طور کلی	
<p>✓ سابقه تاریخی خردگرایی نزد ایرانیان</p> <p>✓ تجربه تاریخی مشروطه‌گرایی در مدیریت اجتماعی</p> <p>✓ تجربه تاریخی توجه مردم به نقش ارتباط جمعی در ایران و استقبال آنان از مطبوعات</p> <p>✓ دستمایه‌های ارزشمند فرهنگی و دینی</p> <p>✓ عقل‌گرایی و وجود ارزشهای گفت‌وگویی عقلانی در قرآن کریم و سیره معصومان (ع)</p>	<p>❖ آزادی، برابری و برادری (نگاه انسانی)</p> <p>❖ مقررات‌زدایی و تسهیل مقررات</p> <p>❖ اصلاحات سیاسی در مکانیزم تولید و توزیع و استفاده از رسانه‌ها</p> <p>❖ دموکراسی نمایندگی مبتنی بر رای و نظر مردم</p> <p>❖ توسعه اقتصادی- سیاسی</p> <p>❖ تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران</p> <p>❖ کاهش شکاف‌های عظیم اقتصادی و اطلاعاتی</p> <p>❖ تکررگرایی فرهنگی</p> <p>❖ خلع یک جانبه‌گرایی‌ها در سیاست‌های بین‌المللی</p> <p>❖ ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی</p> <p>❖ ساختار شکنی در سامانه‌های ارتباطاتی و در نتیجه شکل‌گیری یک سامانه ارتباطات بین‌المللی غیردولتی مشارکتی فرامرزی</p>	<p>استادان ارتباطات</p>
<p>✓ وجود نوعی صلح منفی (درگیری‌های قومی- مذهبی اندک) در جامعه</p>	<p>❖ به رسمیت شناخته شدن نهادهای مدنی</p> <p>❖ شایسته‌سالاری</p> <p>❖ استقلال رسانه‌ای</p> <p>❖ ثبات رسانه‌ای</p> <p>❖ تعریف و تثبیت حقوق فردی</p> <p>❖ دموکراسی مشورتی و مشارکتی</p> <p>❖ فضای باز و مساعد سیاسی</p> <p>❖ آزادی بیان و آزادی پس از بیان</p>	<p>روزنامه‌نگاران</p>
	<p>❖ بالا بودن شمار افراد باسواد و نهادینه</p>	<p>صاحب‌نظران حوزه</p>

<p>✓ ظرفیت فرهنگی مردم برای پذیرش فرهنگ گفت‌وگویی ✓ وجود زمینه‌های گفت‌وگویی در ادبیات</p>	<p>بودن فرهنگ مطالعه ❖ توجه به اطلاعات مکتوب یا در برابر شایعات درگوشی ❖ گسترش فرهنگ معرفتی غیر مطلق اندیش و غیر دوگانه‌اندیش ❖ گسترش ظرفیتهای ارتباطی در بین شهروندان ❖ ارتباط بیشتر رسانه‌ها با جامعه مدنی ❖ اهمیت دادن به کارکردهای فکری رسانه‌ها ❖ زیست‌بوم کثرت‌گرا ❖ جامعه چند صدایی</p>	<p>گفت و گو</p>
<p>✓ وجود زمینه‌های گفت‌وگویی در فرهنگ ایرانی- اسلامی</p>	<p>❖ دموکراسی ❖ آزادی بیان و آزادی پس از بیان ❖ استقلال رسانه‌ای ❖ ثبات رسانه‌ای ❖ ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی</p>	<p>مـــوارد دارای بیشترین توافق</p>

### ۳- موانع تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو

جدول شماره ۳: خلاصه دیدگاه باسرخ‌گویان در مورد موانع تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو

موانع تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو در ایران به طور خاص	موانع تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو به طور کلی	
<p>✓ سابقه طولانی استبداد ✓ کم‌سواد ✓ فقدان منطق گفت و گو ✓ فقدان مشارکت ✓ سیاسی شدن گفت‌وگوها ✓ اقتدار ✓ یکجانبه‌گرایی فرهنگی - سیاسی ✓ فقدان سنت‌های دموکراتیک ✓ فقدان نظام حزبی</p>	<p>❖ مخدوش شدن آزادی، برابری و نگاه انسانی ❖ استبداد و نگاه از بالا به پایین ❖ خودخواهی ذاتی انسان ❖ موانع و خط قرمزهای سیاسی ❖ بودجه و موانع مالی ❖ تابوهای فرهنگی و اجتماعی ❖ شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و معرفتی موجود در جامعه</p>	<p>استنادان ارتباطات</p>

<p>✓ فقدان مدیریت مدرن                  ✓ فقدان اراده‌های ملی برای                  گفت و گوهای هدایتگر                  ✓ نبود مشوق‌های اجتماعی - فرهنگی                  در نقد قدرت                  ✓ خشونت‌گرایی                  ✓ انقلاب‌گرایی                  ✓ خودمحوری                  ✓ استمرار تک‌گویی در نظام متمرکز                  سیاسی                  ✓ عقل‌گریزی و تفوق رفتار احساسی                  ✓ تضعیف ارزش مقوله‌هایی همچون                  آزادی بیان                  ✓ نگرانی از تهدیدهای فرامرزی</p>	<p>❖ بازاری شدن رسانه‌ها                  ❖ وجود سبک‌سازوکارهای                  غیردموکراتیک برای حضور در عرصه                  مشارکت سیاسی، اقتصادی و                  فرهنگی                  ❖ ساختار زورمدار روابط بین‌المللی                  ❖ امپریالیسم                  ❖ کمونیسم                  ❖ سلطه‌جویی فرهنگی                  رواج خرافه و تحمیق مردم</p>	
<p>✓ روزنامه‌نگاری توهین‌آمیز                  ✓ ساختار رسانه‌های دولت‌زده و                  سانسورزده                  ✓ کوتاه‌مدت بودن جامعه ایرانی                  ✓ استبداد و اقتدار حکومتی                  ✓ نبود عقلانیت بین‌الذنهانی                  ✓ فقدان حافظه تاریخی                  ✓ قوام‌نیافتگی گفت‌وگو در تاریخ                  ایران</p>	<p>❖ عدم حاکمیت دموکراسی و آزادی                  بیان                  ❖ وابستگی رسانه به نهادهای قدرت                  ❖ مداخله قدرت سیاسی / نظامی /                  اقتصادی / کاریزماتیک                  ❖ نظارت بیش از حد و سانسور                  ❖ اقتصاد رسانه                  ❖ چارچوب‌های ذهنی نیروی کار                  ❖ شکاف‌های موجود در جامعه                  ❖ کمبود روحیه تحمل دیگران و                  عدم پذیرش دیگری                  ❖ نبودن فرهنگ و زیرساخت‌های                  گفت‌وگو</p>	<p>روزنامه‌نگاران</p>
<p>✓ فرهنگ شفاهی و درگوشی                  ✓ محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی                  و سیاسی                  ✓ حاکمیت بخش دولتی بر رسانه‌ها                  ✓ ضعف نقش جامعه مدنی</p>	<p>❖ نسبی‌گرایی                  ❖ عوام‌گرایی رسانه‌ای و رواج شدید                  نشریات زرد و عامه‌پسند                  ❖ حاکمیت سرمایه‌داری و صنعت                  فرهنگ</p>	<p>صاحب‌نظران حوزه                  گفت‌وگو</p>

<p>✓ فقدان امنیت شغلی ✓ ضعف قانون مطبوعات ✓ سابقه طولانی عدم تحمل دیگران ✓ سابقه طولانی استبداد در ایران</p>	<p>❖ حاکمیت دولتها و دیوانسالاری ❖ تمایل ذاتی افراد به اطاعت، تبعیت و تقلید به جای تفکر و کنش عقلانی ❖ سلطه رسانه‌های در دنیا</p>	
<p>✓ سابقه طولانی استبداد و اقتدار حکومتی ✓ فقدان منطق گفت و گو ✓ عقل‌گریزی و تفوق رفتار احساسی فقدان حافظه تاریخی و قوام‌نیافتگی گفت و گو در تاریخ ایران</p>	<p>❖ عدم حاکمیت دموکراسی و آزادی بیان ❖ شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و معرفتی موجود در جامعه ❖ وابستگی رسانه‌ها به نهادهای دارای قدرت و ثروت ❖ صنعت فرهنگ و ترویج شدید فرهنگ عامه از طریق رسانه‌ها و نشریات زرد</p>	<p>مـــوارد دارای بیشترین توافق</p>

#### ۴- رسانه‌های مناسب برای تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو

جدول شماره ۴: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد رسانه‌های مناسب برای تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو

رسانه‌های مناسب برای روزنامه‌نگاری گفت و گو	
<p>✓ کتاب و در درجه بعد مطبوعات چون نوشتاری هستند و با صرف وقت و تأمل بیشتری همراهند ✓ رادیو و به‌خصوص تلویزیون، به دلیل صمیمیت تصویر و امکان درک و فهم بهتر و چندبعدی‌تر ✓ مجلات، چراکه نسبت به روزنامه‌ها کمتر به مسائل و موضوعات روز توجه می‌کنند. ✓ رسانه‌های دیجیتال، چراکه در مقایسه با رسانه‌های صوتی- تصویری و مکتوب محدودیت فضایی و زمانی کمتری دارند. ✓ رسانه‌های مجازی ✓ وبلاگ‌ها ✓ شبکه‌های اجتماعی ✓ مطبوعات محلی ✓ مجلات و روزنامه‌های سراسری مبتنی بر روزنامه‌نگاری شهروندی در کنار روزنامه‌نگاری حرفه‌ای</p>	<p>استادان ارتباطات</p>
<p>✓ اینترنت و فضای مجازی</p>	<p>روزنامه‌نگاران</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ شبکه‌های اجتماعی</li> <li>✓ رادیو و تلویزیون</li> <li>✓ مطبوعات</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ رسانه‌های اجتماعی جدید</li> <li>✓ تلویزیون</li> <li>✓ فضای مجازی</li> </ul>	صاحب‌نظران حوزه گفت و گو
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ رسانه‌های مجازی</li> <li>✓ تلویزیون</li> <li>✓ مطبوعات</li> </ul>	موارد دارای بیشترین توافق

#### ۵- ژانرهای روزنامه‌نگاری مناسب برای تحقق روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

جدول شماره ۵: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد ژانرهای روزنامه‌نگاری مناسب برای تحقق روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

ژانرهای روزنامه‌نگاری مناسب برای روزنامه‌نگاری گفت‌وگو	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ هر کدام از انواع روزنامه‌نگاری بخشی از روزنامه‌نگاری گفت و گو را به عهده می‌گیرند.</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری تحقیقی</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری تخصصی و حرفه‌ای</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری برخط (آن‌لاین)</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری شبکه‌ای</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری شهروندی</li> <li>✓ نوع روزنامه‌نگاری تعیین کننده نیست.</li> </ul>	استادان ارتباطات
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ بسته به هدف روزنامه‌نگار و نوع مخاطب، گونه‌های مختلفی از روزنامه‌نگاری مناسب‌اند.</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری حرفه‌ای</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری عمومی</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری سایبر</li> <li>✓ محدود به گونه خاصی نیست</li> </ul>	روزنامه‌نگاران
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ باید از هر نوع امکان موجود در روزنامه‌نگاری استفاده کرد.</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری شهروندی</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری صلح</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری شبکه‌ای</li> </ul>	صاحب‌نظران حوزه گفت و گو
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ محدود به گونه خاصی نیست.</li> </ul>	موارد دارای بیشترین



توافق	✓ روزنامه‌نگاری شبکه‌ای و سایبر ✓ روزنامه‌نگاری تخصصی و حرفه‌ای
-------	--

### ۶- ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

جدول شماره ۶: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری گفت‌وگو

ارزش‌های خبری که نباید در روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مد نظر قرار گیرند	ارزش‌های خبری که باید در روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مد نظر قرار گیرند	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ شهرت</li> <li>✓ برخورد</li> <li>✓ استثنا</li> <li>✓ مجاورت</li> <li>✓ مردم‌گرایی</li> <li>✓ هیچیک از ارزش‌های فوق نباید کنار گذاشته شوند</li> <li>✓ روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مبتنی بر ارزش‌های خبری نیست</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ دربرگیری</li> <li>✓ حقیقت‌گرایی</li> <li>✓ راه حل‌گرایی</li> <li>✓ برخورد و تضاد</li> <li>✓ نسخه‌گرایی</li> <li>✓ فرایندمداری</li> <li>✓ محلی / بومی</li> <li>✓ تعالی انسانی</li> <li>✓ عدالت اجتماعی</li> <li>✓ دموکراسی</li> <li>✓ همه ارزش‌های کلاسیک و جدید</li> </ul>	استنادات ارتباطات
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ارزش‌های کلاسیک</li> <li>✓ همه این ارزش‌ها در عالم واقع وجود دارند و غیر قابل حذف هستند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ حقیقت‌گرایی</li> <li>✓ که چی</li> <li>✓ بستگی به سوژه و موضوع دارد</li> <li>✓ بستگی به نوع رسانه و مخاطب و محیط گفت‌وگو دارد</li> <li>✓ ارزش‌های جدید (نوین)</li> <li>✓ برخورد</li> <li>✓ چندآوایی</li> </ul>	روزنامه‌نگاران
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ شهرت</li> <li>✓ ارزش‌های کلاسیک</li> <li>✓ هیچکدام نباید حذف شوند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ حقیقت‌گرایی</li> <li>✓ دربرگیری</li> <li>✓ شهرت</li> <li>✓ برخورد</li> <li>✓ راه حل‌گرایی</li> <li>✓ مردم‌گرایی</li> </ul>	صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو

	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ارزش‌های نوین</li> <li>✓ همه ارزش‌های کلاسیک و نوین</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ارزش‌های کلاسیک</li> <li>✓ هیچکدام نباید حذف شوند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ حقیقت‌گرایی</li> <li>✓ راه حل‌گرایی</li> <li>✓ برخورد و تضاد</li> <li>✓ دربرگیری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>موارد دارای</li> <li>بیشترین</li> <li>توافق</li> </ul>

### ۷- وضعیت و جایگاه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران

جدول شماره ۷: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد وضعیت و جایگاه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران

وضعیت و جایگاه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ چندان جایگاهی ندارد.</li> <li>✓ اشکال ساده و ابتدایی آن را شاهد هستیم.</li> <li>✓ هنوز در ابتدای راه شکل‌گیری است.</li> <li>✓ چندان پد نیست.</li> <li>✓ اساساً فاقد جایگاه و کارکرد است.</li> </ul>	استادان ارتباطات
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ عادی بوده و هست.</li> <li>✓ همواره وجود داشته است.</li> <li>✓ در دوران‌هایی تاحدی وجود داشته و الان هم کمابیش هست.</li> <li>✓ اصلاً چنین ژانری نداریم.</li> </ul>	روزنامه‌نگاران
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ تا حد زیادی تضعیف شده است.</li> <li>✓ آمادگی برای آن وجود دارد.</li> <li>✓ چندان جایگاهی ندارد.</li> </ul>	صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ چندان جایگاهی ندارد.</li> </ul>	مصادر دارای بیشترین توافق

### ۸- چگونگی ترویج روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران

جدول شماره ۸: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد وضعیت و جایگاه روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران

چگونگی ترویج روزنامه‌نگاری گفت‌وگو در ایران	
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ آموزش عمومی مفاهمه و گفت‌وگو</li> <li>✓ آموزش سواد رسانه‌ای به عموم</li> <li>✓ آموزش عمومی درباره زمینها، لوازم و کارکرد روزنامه‌نگاری گفت‌وگو</li> <li>✓ آموزش‌های تخصصی روزنامه‌نگاری با در نظر گرفتن و توجه به جنبه‌های</li> </ul>	استادان ارتباطات

<p>نظری در کنار جنبه‌های عملی روزنامه‌نگاری گفت و گو</p> <p>✓ اصلاح‌حالت سیاسی- فرهنگی و برنامه‌ریزی در جهت حرکت از فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب و توسعه فضاهای عمومی</p> <p>✓ تلاش در جهت نهادینه شدن موقعیت روزنامه‌نگاری مبتنی بر نیازها</p> <p>✓ تهیه یک سرفصل مقدماتی و مرامنامه عملیاتی</p> <p>✓ تحولات نهادی و ساختاری در جهت شکل گرفتن نهادهای دموکراتیک مبتنی بر کارکردهای اجتماعی در جامعه مدرن به جای هژمونی فرهنگی حاکم</p> <p>✓ آگاه‌سازی، حساس‌سازی و تسری دادن ارزش‌های عام فرهنگی انسانی و اخلاقی</p>	
<p>✓ آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای</p> <p>✓ امنیت شغلی/حرفه‌ای و قانونی روزنامه‌نگاران</p> <p>✓ مسئولیت اجتماعی</p> <p>✓ تقویت روزنامه‌نگاری حرفه‌ای خود به خود باعث ترویج گفت و گو نیز می‌شود</p> <p>✓ احساس مسئولیت و اخلاق فردی</p> <p>✓ آموزش سواد رسانه‌ای لازم برای بهره‌مندی از ابزارهای رسانه‌ای</p> <p>✓ شکل‌گیری یک کنش فرهنگی از سوی جامعه مدنی و دولت برای ترغیب و آشناسازی مردم با گفت و گو</p> <p>✓ توجه کافی دولت و نهادهای عمومی به این پروژه</p> <p>✓ پذیرش این پروژه از سوی جامعه مدنی به عنوان یک اولویت کاری و توان هزینه‌کردن برای آن</p>	<p>روزنامه‌نگاران</p>
<p>✓ ترویج آن نوع رویکرد نقادانه در حیطه عمومی که هدفش درس‌گیری از خطاها در یک فضای چندصدایی است.</p> <p>✓ گسترش نقش بخش خصوصی و جامعه مدنی در مالکیت و مدیریت رسانه‌ها</p> <p>✓ یک برنامه جامع و یک جهاد عمومی تدریجی در زمینه‌های فرهنگی-اطلاعاتی</p> <p>✓ همکاری سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در این زمینه</p> <p>✓ برنامه‌ریزی بر اساس زمینه‌های مساعدی که برای گفت و گو در فرهنگ، تاریخ و ادبیاتمان وجود دارد.</p>	<p>صاحب‌نظران حوزه گفت‌وگو</p>
<p>✓ آموزش سواد رسانه‌ای به عموم</p> <p>✓ آموزش عمومی درباره زمینه‌ها، لوازم و کارکرد روزنامه‌نگاری گفت و گو</p> <p>✓ آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با در نظر گرفتن و توجه به جنبه‌های نظری در کنار جنبه‌های عملی روزنامه‌نگاری گفت و گو</p> <p>✓ احساس مسئولیت اجتماعی در روزنامه‌نگاری</p>	<p>مـــــــــــــــــوارد دارای بیشترین توافق</p>

✓ اصلاحات سیاسی- فرهنگی-اطلاعاتی و برنامه‌ریزی در جهت حرکت از فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب و توسعه فضاهای عمومی	
---	--

### ۹- تعریف روزنامه‌نگاری گفت و گو

در اینجا ابتدا خلاصه‌ای از تعاریف ارائه شده از سوی پاسخگویان و سرانجام تعریف نهایی تحقیق بیان می‌گردد: همانگونه که در جدول ۹ نشان داده شده، با توجه به تمامی نظرات، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی چون آزاد، تعاملی، دیالکتیکی، سیال، بی‌پایان، به‌دور از مطلق‌گرایی و فاقد پیش‌داوری بودن گفت و گو به تعریف اولیه این تحقیق اضافه شده و تعریف نهایی روزنامه‌نگاری گفت و گو را شکل داده است.

#### جدول شماره ۹: خلاصه دیدگاه پاسخگویان در مورد تعریف روزنامه‌نگاری گفت و گو

تعریف روزنامه‌نگاری گفت و گو	
✓ روزنامه‌نگاری گفت و گو امکان دسترسی برابر و همگانی برای بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، بدون هیچ ترس و واهمه و محدودیتی در جهت حل مسئله است. ✓ روزنامه‌نگاری گفت و گو نوعی روزنامه‌نگاری ایده‌آل و فراتر از روزنامه‌نگاری عمومی است که محور آن چندصدایی و چندسویگی در تولید و توزیع اطلاعات و نیز درجه‌بندی اطلاعات است. ✓ روزنامه‌نگاری گفت و گو را می‌توان هم ترازوی در تبادل اطلاعات و دیدگاه‌ها در یک بستر مفاهمی دانست. ✓ نوعی روزنامه‌نگاری براساس نظرورزی خردورزانه یا گفت و گوی جهان شمول در نظر و عمل. به دیگر سخن کرسی آزاد اندیشی است برای یک گفت و گوی نوشتاری. ✓ روزنامه‌نگاری‌ای است که فرهنگ گفت و شنود انتقادی، باز، خردمندانه و آزاد را در جامعه تشویق و ترویج و قاعده‌های عقلی و تکنیکی این کنش اجتماعی را برای رسیدن به یک رفتار اجتماعی مفاهمه آمیز و همگانی معرفی می‌کند. ✓ نوعی از روزنامه‌نگاری مبتنی بر گفت‌وگوی آزادانه، داوطلبانه/ اختیاری، انتقادی، همگانی، عقلانی، چندآوا و بی‌پایان.	استادان ارتباطات
✓ آن دسته از فعالیت‌های مستقل و مسؤلانه رسانه‌ای که بر گفت و گوی آزاد، برابر، همسنگ و شایسته‌سالار مبتنی است. ✓ روزنامه‌نگاری مبتنی بر چندآوایی ✓ روزنامه‌نگاری گفت و گو پروژه‌ای است در دل روزنامه‌نگاری اجتماعی و مبتنی بر مشکلات خرد و کلان جامعه که مداخله‌گر است و از مسیر	روزنامه‌نگاران

<p>توانمندسازی فرهنگی تلاش می‌کند تا ساختارهای گفت و گویی جامعه را ارتقا بخشد.</p>	
<p>✓ روزنامه‌نگاری گفت و گو بر بستر فهم مشترک میان مخاطبان استوار است و هدف آن ایجاد فضایی برای عرضه شدن دیدگاه‌های مختلف از یکسو و از سوی دیگر نقادی دیدگاه‌های عرضه شده است.</p> <p>✓ روزنامه‌نگاری گفت و گویی در میان کارکردهای رسانه‌ها بر نقش فکری تأکید بیشتری دارد و در این میان راهبرد وساطت فکری را انتخاب می‌کند و هدف آن گسترش همدلی (و نه لزوماً ایجاد اجماع) در بین صاحبان دیدگاه‌های گوناگون است.</p> <p>✓ نوعی از روزنامه‌نگاری غیر دستوری که مبتنی است بر نگاه نسبی و پرهیز از مطلق‌گرایی، و در نتیجه به رسمیت شناختن دیگران و تلاش در جهت فهم و درک آنان</p> <p>✓ نوعی از روزنامه‌نگاری است که بر پایه گفت و گو به عنوان پروسه‌ای فعال، سیال و عقلانی شکل می‌گیرد.</p>	<p>صاحب‌نظران حوزه گفت و گو</p>
<p>✓ نوعی از روزنامه‌نگاری است که رسانه‌ها و از جمله مطبوعات بتوانند به لحاظ عملی زمینه‌ای فراهم کنند تا طرفین ارتباط (فرستنده پیام و گیرنده آن) به گفت و گوی همگانی (امکان ورود برابر به بحث)، عقلانی، انتقادی، چندآوا (کثرت آواها و نظرات و نبود یک روایت مسلط) و بی‌پایان (هر فهم پایه فهم بعدی می‌شود) در خصوص نظرات یکدیگر پرداخته و به فهم مشترکی دست یابند.</p>	<p>تعریف ابتدایی تحقیق</p>
<p>✓ نوعی از روزنامه‌نگاری که رسانه‌ها و از جمله مطبوعات بتوانند به لحاظ عملی زمینه‌ای فراهم کنند تا طرفین ارتباط به گفت و گوی تعاملی، آزاد، همگانی، عقلانی، انتقادی، چندآوا، سیال، بی‌پایان و به دور از مطلق‌گرایی در خصوص نظرات یکدیگر پرداخته و به فهم مشترکی دست یابند. به دیگر سخن روزنامه‌نگاری‌ای است که فرهنگ گفت و شنود انتقادی، باز، خردمندانه و آزاد را در جامعه تشویق و ترویج و قاعده‌های عقلی و تکنیکی این کنش اجتماعی را برای رسیدن به یک رفتار اجتماعی مفاهیم آمیز و همگانی معرفی می‌کند. این نوع روزنامه‌نگاری فاقد پیش‌داوری و مبتنی بر نوعی نسبییت بوده و راهبرد وساطت فکری را انتخاب می‌کند و هدف آن گسترش همدلی (و نه لزوماً ایجاد اجماع) در بین صاحبان دیدگاه‌های گوناگون است.</p>	<p>تعریف نهایی تحقیق</p>

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شد تا مکانیزم‌های گفت و گو در مصاحبه با متخصصان نیز رعایت گردد و

از این نظر تحقیق حاضر، خود به نوعی نمونه‌ای گفت و گویی محسوب می‌گردد. بدین ترتیب در خلال گفت و گو با متخصصان، چارچوب مفهومی پژوهش نیز گسترش یافت و چشم‌اندازهای نوینی به مقوله روزنامه‌نگاری گفت و گو گشوده شد. بر این اساس در این قسمت جمع‌بندی یافته‌های تحقیق درباره مولفه‌ها، زمینه‌های مساعد، موانع، جایگاه و سایر ویژگی‌ها و مسائل مرتبط با روزنامه‌نگاری گفت و گو که از مصاحبه با متخصصان به دست آمد، با چارچوب مفهومی اولیه تحقیق ترکیب شده و به صورت یک کل به هم پیوسته، نتیجه‌گیری نهایی را شکل می‌دهد.

این پژوهش، بر مبنای برداشتی بسط یافته از زد. پی. دی، رسانه را به مثابه زد. پی. دی در نظر می‌گیرد که هدف این زد. پی. دی رسانه‌های توسعه فرهنگی است. در حوزه توسعه مجاور صدای اول، آموزش‌دهنده و صدای دوم آموزش‌گیرنده محسوب می‌شوند و علاوه بر آنها یک صدای سوم (فرامخاطب) نیز متصور است که به صورت ضمنی و غیرمستقیم در گفت و گو حضور دارد. در واقع صدای سوم زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی - تاریخی خاصی را شامل می‌شود که دیدگاه صدای اول را در مورد هدف و نحوه برخورد با صدای دوم در محیط زد. پی. دی شکل می‌دهد و آموزش‌دهنده براساس آن با آموزش‌گیرنده رفتار می‌کند.

بر مبنای نظر باختین سه ژانر گفت و گویی مختلف برای زد. پی. دی در نظر گرفته شده که هر کدام مستلزم عملکرد رسانه‌های متفاوتی است و روزنامه‌نگاری گفت و گو تنها در ژانر گفت و گوی باختینی - هابرماسی قابل تحقق خواهد بود.

در ژانر گفت و گوی آمرانه صدای سوم و متعاقب آن صدای اول بر صدای دوم تفوق و برتری دارند و قلمرو و جهت توسعه بالقوه درون حوزه توسعه مجاور و در واقع هدف نهایی توسعه‌ای را مشخص می‌کنند. این نوع گفت و گو با آنچه باختین مونولوگ و تک‌گویی رسمی می‌خواند تطابق دارد و لذا بیشتر با آن نوع گفت و گوی رسانه‌ای سازگار است که یک طرف آن دولت/حوزه رسمی (صدای اول) و طرف دیگر آن مردم (صدای دوم) هستند و با یک مدل توسعه‌ای دستوری و رابطه عمودی از بالا به پایین مواجهیم که از طریق گفت و گوی آمرانه (مونولوگ) رسانه‌ای عمل می‌کند. اگرچه این ساختار رسانه‌ای در رسانه‌های غیر رسمی مونولوژیکی که اندیشه خود را برتر می‌دانند نیز قابل مشاهده است. در چنین ساختارهای از بالا به پایینی که در آن یک طرف (صدای اول) هدف توسعه‌ای را برای طرف دیگر مشخص کرده و رسانه واسطه و ابزار تبلیغ این هدف محسوب می‌شود، اساساً روزنامه‌نگاری گفت و گو شکل نمی‌گیرد.

همچنانکه صدای دوم نقش فعال‌تری در زد. پی. دی به عهده می‌گیرد، گفت و گوی آمرانه به گفت و گوی باختینی - هابرماسی تغییر شکل می‌دهد. در چنین ژانری صدای اول جایگاه بالاتر خود را از دست می‌دهد و ساختار روابط عمودی و دستوری و ارتباط یک‌سویه گفت و گوی

آمرانه، جای خود را به روابط افقی و برابر مبتنی بر پرسش و پاسخ دوسویه می‌دهد. در واقع نوعی کنش متقابل گفت و گویی، مشابه کنش ارتباطی هابرماس شکل می‌گیرد. از این رو زد. پی. دی مبتنی بر گفت و گوی باختینی- هابرماسی، نوعی حوزه عمومی جایگزین شکل می‌دهد که محدود به حوزه غیر دولتی نیست و طرفین گفت و گو می‌توانند به عنوان مثال از بین مردم یا نمایندگان آنان، گروه‌های مختلف اجتماعی، رهبران افکار و یا دولت انتخاب شوند. ساز و کار عمل زد. پی. دی در اینجا روزنامه‌نگاری گفت و گو است. با در نظر گرفتن نتایج حاصل از تحقیق، روزنامه‌نگاری گفت و گو درون زد. پی. دی به آن نوع روزنامه‌نگاری اطلاق می‌شود که رسانه‌ها و از جمله مطبوعات بتوانند به لحاظ عملی زمینه‌ای فراهم کنند تا طرفین ارتباط به گفت و گوی آزاد، تعاملی، دیالکتیکی، همگانی، عقلانی، انتقادی، چندآوا، سیال، بی‌پایان و به دور از مطلق‌گرایی در خصوص نظرات یکدیگر پرداخته و به فهم مشترکی دست یابند. این گونه روزنامه‌نگاری فرهنگ گفت و شنود انتقادی، باز، خردمندانه و آزاد را در جامعه تشویق و ترویج و قاعده‌های عقلی و تکنیکی این کنش اجتماعی را برای رسیدن به یک رفتار اجتماعی مفاهمه‌آمیز و همگانی معرفی می‌کند. چنین روزنامه‌نگاری‌ای فاقد پیش‌داوری و مبتنی بر نوعی نسبییت بوده و راهبرد وساطت فکری را انتخاب می‌کند و هدف آن گسترش همدلی (و نه لزوماً ایجاد اجماع) در بین صاحبان دیدگاه‌های گوناگون است. نتیجه چنین فرایندی تنها مبادله اطلاعات نیست، بلکه فعلیت یافتن توانایی‌های بالقوه، بالا رفتن ظرفیت‌ها و توانش فرهنگی طرفین گفت و گو، اصلاح و ارتقای آنها به ترازهای معرفتی جدید و پدید آمدن مناظر و افق‌های تازه برای سیر در عرصه‌های نظر و عمل است. بدین ترتیب حوزه توسعه مجاور رسانه‌ای از طریق مکانیزم روزنامه‌نگاری گفت و گو، زمینه تقویت و تداوم ارتباطات دوسویه، تعاملی و مشارکتی را فراهم می‌کند که این نوع ارتباط، دستیابی به توسعه فرهنگی را هموار می‌سازد.

اما زمینه‌های مساعد و در عین حال موانع خاصی هم بر سر راه رسانه برای فاصله گرفتن از ژانر آمرانه و تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو در زد. پی. دی وجود دارد. در مجموع شعارهای انقلاب کبیر فرانسه یعنی آزادی، برابری و برادری (نگاه انسانی) زمینه‌های مساعد کلی و اصلی روزنامه‌نگاری گفت و گو هستند و در مرحله بعد ثبات و استقلال رسانه‌ای نیز از اهمیت فراوان برخوردار است. به طور خاص در کشورمان، وجود ارزش‌ها و تجارب تاریخی، ادبی و دینی گفت و گویی در فرهنگ دینی و ملی ایرانیان، زمینه‌های مساعد مهمی برای این نوع روزنامه‌نگاری محسوب می‌شوند. همچنین عدم حاکمیت دموکراسی و آزادی بیان، شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و معرفتی موجود در جوامع، وابستگی رسانه‌ها به نهادهای دارای قدرت و ثروت، صنعت فرهنگ و ترویج شدید فرهنگ عامه از طریق رسانه‌های عامه‌پسند و

مطبوعات زرد، از جمله مهمترین موانع عام تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو و مواردی چون سابقه طولانی استبداد و اقتدار حکومتی، فقدان منطق گفت و گو، عقل‌گریزی و تفوق رفتار احساسی و قوام‌نیافتگی گفت و گو در تاریخ ایران مهمترین موانع خاص روزنامه‌نگاری گفت و گو در ایران به شمار می‌روند.

در مورد رسانه‌ها و ژانرهای مناسب برای تحقق روزنامه‌نگاری گفت و گو باید گفت هر یک از انواع رسانه‌ها کارکرد گفت‌وگویی خاص خودشان را دارند، با این حال مطبوعات (به خاطر عمق مطالب) و تلویزیون (به خاطر فراگیری)، بیشتر برای تحقق سطوح عالی روزنامه‌نگاری گفت و گو مناسب به نظر می‌رسند، حال آنکه سایر رسانه‌ها نظیر شبکه‌های اجتماعی مجازی برای زمینه‌سازی و یا سطوح مقدماتی گفت و گو مناسب‌اند. در عین حال گونه‌های تلفیقی روزنامه‌نگاری نظیر تلفیقی از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای با ژانرهای نوینی مانند روزنامه‌نگاری شهروندی، عمومی، شبکه‌ای و کنشگر، بیشتر با روزنامه‌نگاری گفت‌وگو مناسبت خواهند داشت. در مورد ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری گفت و گو نیز می‌توان گفت به دلیل ویژگی‌های خاص این نوع روزنامه‌نگاری، ارزش‌های نوینی چون حقیقت‌گرایی، راه‌حل‌گرایی، فرایندمداری و مردم‌گرایی (توجه به مسائل واقعی مردم) باید بیشتر مد نظر قرار گیرند. اما در عین حال ارزش‌های کلاسیک نیز در عالم واقع وجود داشته و غیر قابل حذف هستند و باید در ذیل ارزش‌های نوین مورد توجه قرار گیرند.

در حال حاضر با توجه به موانعی که بر سر راه گفت و گو وجود دارد و از آن سو فشارها و مشکلاتی که بر روزنامه‌نگاری در جامعه ما سایه انداخته، روزنامه‌نگاری گفت و گو فاقد جایگاه و کارکرد مناسب خود در کشور است. اما به وسیله کارهایی چون آموزش سواد رسانه‌ای به عموم، آموزش عمومی درباره زمینه‌ها، لوازم و کارکرد گفت و گو، آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با در نظر گرفتن و توجه به جنبه‌های نظری در کنار جنبه‌های عملی روزنامه‌نگاری گفت و گو و تهیه یک سرفصل مقدماتی و مرامنامه‌ای عملیاتی برای این نوع روزنامه‌نگاری، می‌توان روزنامه‌نگاری گفت و گو را ترویج کرد و جایگاه آن را در کشور بهبود بخشید. هرچند دستیابی به سطوح عالی روزنامه‌نگاری گفت و گو یک‌شبه و به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود، اما تحقق سطوح مقدماتی روزنامه‌نگاری گفت و گو و حرکت تدریجی به سمت سطوح عالی‌تر آن امکان‌پذیر و برای توسعه کشور خصوصا در بعد فرهنگی ضروری است. آنچه در این مسیر درخورد توجه است مشخص نمودن گستره شمول روزنامه‌نگاری گفت و گوست. اگر تعریف دقیق ارتباط را به عنوان فرایند انتقال معنای مشخص و مشابه مد نظر قرار دهیم، این مشابهت معنا به طور نسبی میسر است و هرگز به طور کامل و مطلق در یک کنش متقابل حاصل نخواهد شد. بدین ترتیب گفت و گو نیز به عنوان سطح عالی ارتباط



متقابل اجتماعی اساساً پایان‌پذیر نبوده و هیچ‌گاه به طور مطلق و صد در صد حاصل نمی‌شود. بنابراین تولیدات رسانه‌ای از حیث مناسبتشان با گفت و گو طیفی از بیان‌ها را دربر می‌گیرند که در یک سوی آن بیان‌های ضدگفت و گویی و سپس بیان‌های غیر گفت و گویی قرار دارند و سوی دیگر آن بی‌انتهاست. از آن نقطه طیف که بیان‌های رسانه‌ای واجد مبانی و مولفه‌های حداقلی گفت و گو می‌شوند، پیوستار روزنامه‌نگاری گفت و گو نیز آغاز می‌شود و هر چه در مسیر بی‌پایان پیوستار به سمت جلو حرکت کنیم، مولفه‌های گفت و گو در بیان‌های رسانه‌ای نمایان‌تر شده و روزنامه‌نگاری گفت و گو استغنائی بیشتری می‌یابد. بر این اساس تولید، بازتولید و ارتقای روزنامه‌نگاری گفت و گو در گرو تمرین مداوم آن است و بسان نوازنده‌ای که هر چه بیشتر بنوازد مهارت بیشتری می‌یابد، هر چه رسانه مولفه‌ها و ارزش‌های روزنامه‌نگاری گفت و گو را بیشتر در تولیدات خود لحاظ کند، به سطوح عالی‌تر آن نزدیک‌تر خواهد شد.

با عنایت به همه نکات یاد شده، می‌توان روزنامه‌نگاری گفت و گو را تحقق و غنا بخشید و بدین ترتیب به توسعه فرهنگی به عنوان محصول و خروجی فرایند مبتنی بر روزنامه‌نگاری گفت و گو درون زد. پی. دی باختینی - هابرماسی دست یافت.

اما آنچه در این مسیر همواره روزنامه‌نگاری گفت و گو را تهدید می‌کند، جایگزینی گفت و گوی باختینی - هابرماسی با گفت و گوی منی‌په‌ای/کارناوالی است. هنگامی که صدای سوم و اول تغییر شرایط صدای دوم و مقاومت آن را بر نمی‌تابند، واکنش صدای دوم ممکن است هجو، تمسخر و استهزاء صدای سوم و اول و اقتدار آنها باشد. در این شرایط برخی رسانه‌ها کارکرد کارناوالی می‌یابند، به طوری که پرسش‌های منطقی و نقد صادقانه گفت و گوی باختین - هابرماسی، جای خود را به پرسش‌های تمسخرآمیز و هجو بدبینانه گفت و گوی کارناوالی در آنها می‌دهد. امروز نمونه‌های فراوانی از کارناوالی شدن رسانه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود که در هر حال سختی با روزنامه‌نگاری گفت و گو ندارد.

خطری که در این شرایط وجود دارد این است که با این هجو برخورد شود و صدای اول سعی کند از طریق انگ دگراندیش، منحرف، بیمار و خرابکار زدن و یا برخورد قهرآمیز با صدای دوم، آن را سرکوب، تضعیف و مجازات نماید و اقتدار صدای سوم را بازگرداند. در بسیاری از موارد انگ زدن به رسانه‌های کارناوالی و تولیدکنندگان آنها به وسیله رسانه‌های رسمی و غیررسمی دیگر صورت می‌گیرد. این وضعیت بازخوردهای نامطلوب دیگری به دنبال خواهد داشت و کاملاً بر خلاف اهداف توسعه‌ای زد. پی. دی خواهد بود. راه‌گریز از چنین شرایطی آن است که در مواجهه با هجو کارناوالی، رسانه به جای بدنام‌سازی صدای دوم، مجدداً بستر را برای بازگشت به گفت و گوی باختینی - هابرماسی و حرکت در مسیر توسعه فرهنگی فراهم کند.

## منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۲) «گستره‌ی همگانی در نگرش انتقادی هابرماس»، *مجله گفت و گو*، تیر- شماره ۱، ۹۸-۱۱۱.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴) امکانات دموکراتیک اندیشه‌های میخائیل باختین و یورگن هابرماس، تهران: نشر مرکز.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۷) *در جهان گفت و گو*، تهران: انتشارات هرمس.
- ----- (۱۳۸۸/۲/۲۶) «روزنامه نگاری گفت و گو؛ گریز از انسدادهای گفتمانی»، مصاحبه با سلیمان محمدی، *روزنامه اعتماد*، سال هفتم، شماره ۱۹۵۲: ۸ (صفحه رسانه). بازیابی از روزنامه اعتماد: <http://www.etemaad.ir/Released/88-02-26/270.htm>
- سرواس، جان (۱۳۸۴) «دگرگونی در نظریه‌های ارتباطات و توسعه و پیامدهای آن در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی»، ترجمه علیرضا حسینی پاکدهی، *رسانه*، سال شانزدهم، زمستان، شماره ۶۴، ۷۷-۱۴۱.
- کوهستانی، مرضیه (۱۳۹۰) «بررسی روزنامه‌نگاری کنشگر در حوزه میراث فرهنگی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.
- کورسارو، ویلیام رای (۱۳۸۵/۷/۳۰) «سازگرای در جامعه‌شناسی کودکی»، ترجمه علیرضا کرمانی، *روزنامه اعتماد ملی*، شماره ۲۱۱: ۸ (صفحه اندیشه).
- مطالعات ملی (تابستان ۱۳۸۱) «میزگرد: گفت و گو (۱)»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ سال سوم، شماره ۱۲، ۱۹۷-۲۲۶.
- منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵) «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت و گویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، *نامه علوم اجتماعی*، زمستان، شماره ۲۹، ۲۸-۱.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (تابستان ۱۳۸۱) «رهیافت‌های نظری گفت و گوی بین فرهنگها»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ سال سوم، شماره ۱۲، ۹۱-۱۱۵.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۷۷) «زبان و اجتماعی شدن: کاربرد انسان‌شناسی زبان»، *نامه علوم اجتماعی*؛ بهار و تابستان، شماره ۱۱، ۱۷۲-۱۶۳.
- نظری، الهام (۱۳۹۰) «بررسی فرهنگ گفت و گو در حیات مدنی ایران (مطالعه موردی یک شورا یاری در شهر تهران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.
- نودری، حسینعلی (۱۳۸۱) *بازخوانی هابرماس*، تهران: نشر چشمه.
- ویگوتسکی، لو (۱۳۶۵) *اندیشه و زبان*، ترجمه حبیب‌آقا قاسم‌زاده، تهران: آفتاب.
- ویمر، راجردی. و دومینیک، جوزف آر (۱۳۸۹) *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، تهران: سروش، چاپ دوم.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۸) *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی*،

ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار، چاپ سوم.

- Bakhtin, M. (1984). *Problems of Dostoevsky's Poetics*, (C. Emerson, Ed. and Trans.), Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Bakhtin, M. (1986). *Speech Genres and Other Late Essays*. C. Emerson and M. Holquist (Eds., V. W. McGee, Trans.), Austin, TX: University of Texas Press.
- Cheyne, Allan & Tarulli, Donato. (1999). "Dialogue, Difference, and the "Third Voice" in the Zone of Proximal Development", Waterloo, Ontario, Canada: University of Waterloo, A Revised Version of this Paper is Available in (1999). *Theory and Psychology*, 9, 5-28.
- EAJA. (2009). "Eastern Africa Conference on Media, Dialogue and Mutual Understanding" [repost], Kigali, Rwanda: *Eastern Africa Journalists Association*.
- Eun, B. Knotek, S. E., & Heining-Boynton, A. L. (2008). "Reconceptualizing the Zone of Proximal Development: The Importance of the Third Voice", *Educational Psychology Review*, 20, 133-147. Retrieved from [Springerlink](http://www.Springerlink.com/Content/f8348187n6155417/): <http://www.Springerlink.com/Content/f8348187n6155417/>.
- Marsh, George E. and John J. Ketterer. (2005). "Situating the Zone of Proximal Development", *Online Journal of Distance Learning Administration*, Volume VIII, Number II Summer 2005. Retrieved from [University of West Georgia](http://www.westga.edu/~distance/ojdla/summer82/marsh82.htm): <http://www.westga.edu/~distance/ojdla/summer82/marsh82.htm>.
- Servaes, Jan, (Ed.). (2008). *Communication for Development and Social Change*, Los Angeles, London, New Delhi, Singapore: Sage.
- *The Global Network for Free Expression*. (2009). "World Press Freedom Day 2009: Focus on Media, Dialogue and Mutual Understanding", Retrieved from [IFEX](http://www.ifex.org/International/2009/04/29/wpfd_dialogue/): [http://www.ifex.org/International/2009/04/29/wpfd\\_dialogue/](http://www.ifex.org/International/2009/04/29/wpfd_dialogue/).
- *The United Nations*. (2009). "Theme 2009: Media, Dialogue and Mutual Understanding" Retrieved from [UN](http://www.un.org/en/events/pressfreedomday/2009/): <http://www.un.org/en/events/pressfreedomday/2009/>.
- UNESCO. (2009 a). "Free Media Fosters Dialogue", Retrieved from [UNESCO](http://www.unesco.org/new/en/Communication-and-Information/Flagship-Project-Activities/World-Press-Freedom-Day/Previous): <http://www.unesco.org/new/en/Communication-and-Information/Flagship-Project-Activities/World-Press-Freedom-Day/Previous>.
- UNESCO. (2009 b). "The Role of Media in Intercultural Dialogue", Retrieved from [UNESCO](http://www.unesco.org/new/en/communication-and-Information/Flagship-Project-Activities/World-Press-Freedom-Day/Previous): <http://www.unesco.org/new/en/communication-and-Information/Flagship-Project-Activities/World-Press-Freedom-Day/Previous>.
- UNESCO. (2011). "The Former Yugoslav Republic of Macedonia", Retrieved from [UNESCO](http://www.unesco.org/en/University-Twinning-and-Networking/Access-by-Region/Europe-and-North-America/the-Former-Yugoslav-Republic-of-Macedonia/Unesco-Chair-in-Media-Dialogue-and-Mutual-Understanding-944): <http://www.unesco.org/en/University-Twinning-and-Networking/Access-by-Region/Europe-and-North-America/the-Former-Yugoslav-Republic-of-Macedonia/Unesco-Chair-in-Media-Dialogue-and-Mutual-Understanding-944>.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. M. Cole, V. John-Steiner, S. Scribner, E. Souberman (Eds.), Cambridge, MA: Harvard University Press.



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار